



The Criminal Policy of Crimes against Citizens by the Armed Forces (a Comparative Study in Iran and the United States of America)

سیاست کیفری جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح (مطالعه تطبیقی در ایران و ایالات متحده آمریکا)

Yasser Shakeri
PhD in Criminal law and Criminology

sssf200@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0001-7732-8125>

یاسر شاکری
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

Abstract

The purpose of the current research is to examine the criminal policy in the Islamic Republic of Iran and the United States of America for crimes against citizens by the armed forces. The present study, with a descriptive-analytical method, aims to answer the question, what is the criminal policy of crimes against citizens by the armed forces in the two criminal systems of the Islamic Republic of Iran and the United States of America? In response, it can be said that it seems that in both the criminal systems of the Islamic Republic of Iran and the United States of America, there is a strict and security-oriented criminal policy that governs these crimes, because the legislators of both countries look at ensuring the safety of the citizens of the society, even the imprisoned persons. Be In both criminal systems, the issue of crimes against citizens is mentioned in the constitution and special military laws in the armed forces. In some cases, committing crimes against citizens by the police or the armed forces or the security forces of the Islamic Republic of Iran has led to social, political, economic, cultural, and social and security consequences in addition to criminal consequences. If committing such crimes in the United States of America has rarely led to the aforementioned consequences.

Keywords: Armed Forces, Iran, United States of America, Citizens.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی سیاست کیفری در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در قبال جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح می‌باشد. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش است که سیاست کیفری جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح در دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا چگونه می‌باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت که به نظر می‌رسد در هر دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا سیاست کیفری سخت‌گیرانه و امنیت‌گرایانه‌ای حاکم بر این جرائم می‌باشد چون نگاه قانون‌گذاران هر دو کشور تأمین امنیت شهروندان جامعه حتی اشخاص زندانی می‌باشد. در هر دو نظام کیفری، به موضوع جرائم علیه شهروندان در قانون اساسی و قوانین خاص نظامی در نیروهای مسلح اشاره شده است. در برخی مواقع ارتکاب جرائم علیه شهروندان توسط پلیس یا نیروهای مسلح یا نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تبعات کیفری، منجر به تبعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی نیز شده است. در صورتی که ارتکاب چنین جرائمی در ایالات متحده آمریکا به ندرت منجر به تبعات مذکور شده است.

واژگان کلیدی: نیروهای مسلح، ایران، ایالات متحده آمریکا، شهروندان.

Received: 2023/09/09 - Review: 2023/10/26 - Accepted: 2023/12/04

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

ارجاع:

شاگری، یاسر؛ (۱۴۰۲)، سیاست کیفری جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح (مطالعه تطبیقی در ایران و ایالات متحده امریکا)، تمدن حقوقی، شماره ۱۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

مقدمه

آنگاه که سخن از دموکراسی، جامعه درونی، توسعه، مشارکت و انواع آن به بیان می‌آید بحث «شهروندی»^۱ و «حقوق شهروندی»^۲ نیز پیش کشیده می‌شود. شهروند به‌عنوان اتم جامعه به خصوص در اندیشه مدرن بحث محوری پیدا می‌کند. شهروندی و «جامعه مدنی»^۳ دو مفهومی است که همواره با

۱- شهروندی را قالب پیشرفته «شهروندی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند. شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده‌است، اگرچه امروزه بسیاری به شهروندی جهانی نیز می‌اندیشند. شهروندی امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته است.

۲- حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود.

۳- اصطلاح جامعه مدنی در کاربرد امروزی معانی مختلفی دارد. گاهی شامل خانواده و محیط خصوصی در نظر گرفته می‌شود و به‌عنوان «بخش سوم» جامعه، مجزا از دولت و تجارت به‌شمار می‌رود. لغت‌نامه قرن بیست و یکم، جامعه مدنی را به‌عنوان مجموع سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی که حقوق و تمایلات شهروندان را آشکار می‌کند یا

یکدیگر همراه بوده‌اند و در واقع مهم‌ترین ویژگی جامعه مدرن، پیوستگی تفکیک‌ناپذیر آئین شهروندی و مشارکت‌های مدنی به منظور رشد حیات مدنی به سمت تکوین جامعه مدنی است. از همین جهت، حقوق شهروندی و حفظ آن از اهم مباحثی است که امروزه در سطح حقوق داخلی و بین‌المللی مطرح گردیده و ارزش ذاتی این مقوله در حدی است که آن را در شمار مباحث حقوق معاصر قرار داده است. حفظ و احیای حقوق شهروندی تا آنجا اهمیت دارد که عدم رعایت آن و عدم پابندی به اصول حاکم بر آن، دست یافتن به یک جامعه متعالی و حکومتی «مردم‌سالار»^۴ را دور از دسترس قرار می‌دهد (پناهی و همایی، ۱۳۹۶، ۴). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول مختلفی، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را مورد تأکید قرار داده است. حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان؛ در بند ششم، هفتم و هشتم از اصل سوم^۵ بنیادهای حقوق سیاسی و اجتماعی مردم به رسمیت شناخته شده است. بدین ترتیب عدم سلب آزادی‌های مشروع حتی با نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور با استفاده از ابزار قانون و وضع قوانین از جمله راهبردهای مورد تأکید قانون‌گذار در اصل^۶ نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اشخاص و سازمان‌هایی در جامعه که مستقل از دولت هستند، تعریف می‌کند. گاهی این واژه در مفاهیم عمومی‌تر عناصری چون آزادی بیان، قوه قضاییه مستقل و... که جامعه دموکراتیک (مردم‌سالار) را تشکیل می‌دهد، به کار می‌رود. داوطلب شدن، اغلب ویژگی مشخص سازمان‌هایی که جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند، در نظر گرفته می‌شود، که اغلب به جای ان‌جی‌او (NGO) (سازمان‌های مردم‌نهاد) یا ان‌پی‌او (NPO) (سازمان‌های غیرانتفاعی) نامیده می‌شوند. بیشتر مقامات، عرصه مشارکت عمومی در سازمان‌های داوطلبانه، اتحادیه‌های تجاری و نظیر آن را در نظر دارند، اما لازم نیست که در همه این بخش‌ها عضویت داشته باشند تا بخشی از جامعه مدنی باشند.

۴- مردم‌سالاری یا دموکراسی، یک روش حکومتی برای مدیریت کم‌خطا بر مردم حق مدار که در آن مردم، نه فرد یا گروهی خاص، حکومت می‌کنند.

۵- اصل سوم. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۶- معو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی. ۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون. ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۶- اصل نهم. در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

است. همچنین در اصل هشتم^۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حقوق و تکلیف متقابل دولت و مردم تأکید شده است. ممنوع کردن تفتیش عقاید و پرهیز از تعرض و مواخذه به دلیل عقیده (اصل بیست و سوم^۸)، آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، ممنوعیت بازرسی نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و استراق سمع و پرهیز از هرگونه تجسس (اصل بیست و پنجم^۹)، آزادی احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و انجمن‌های اسلامی (اصل بیست و ششم^{۱۰}) و آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها (اصل بیست و هفتم^{۱۱})، از جمله اصول تصریح شده اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند (اسماعیلی، ۱۳۸۰، ۱۰۸).

تأمین قضائی (اصل سی و دوم^{۱۲})، عدم تبعید (اصل سی و سوم^{۱۳})، حق مسلم دادخواهی (اصل سی و

۷- اصل هشتم. در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

۸- اصل بیست و سوم. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

۹- اصل بیست و پنجم. بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

۱۰- اصل بیست و ششم. احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

۱۱- اصل بیست و هفتم. تشکیل اجتماعات و راه پیمائی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

۱۲- اصل سی و دوم. هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتاً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

چهارم^{۱۴}، استفاده از حق و کیل (اصل سی و پنجم^{۱۵}، اصل برائت (اصل سی و هفتم^{۱۶})، ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارباب (اصل سی و هشتم^{۱۷})، عدم هتک حرمت و حیثیت (اصل سی و نهم^{۱۸})، علنی بودن دادرسی (اصل یکصد و شصت و پنجم^{۱۹} و اصل یکصد و شصت و هشتم^{۲۰}) و عطف به ماسبق نشدن قانون (اصل یکصد و شصت و نهم^{۲۱}) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق قضائی

۱۳- اصل سی و سوم. هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا باقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

۱۴- اصل سی و چهارم. دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

۱۵- اصل سی و پنجم. در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود و کیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب و کیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین و کیل فراهم گردد.

۱۶- اصل سی و هفتم. اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۱۷- اصل سی و هشتم. هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱۸- اصل سی و نهم. هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

۱۹- اصل یکصد و شصت و پنجم. محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

۲۰- اصل یکصد و شصت و هشتم. رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

۲۱- اصل یکصد و شصت و نهم. هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

شهروندان را تبیین نموده‌اند. هدف اصلی حقوق قضائی شهروندان ایجاد امنیت قضائی برای اعضای جامعه است. در بند چهاردهم^{۲۲} اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تأمین حقوق همه جانبه افراد زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه «برای همه و تساوی عمومی در برابر قانون» تصریح شده است. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳^{۲۳} و در منشور حقوق

۲۲- اصل سوم. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۲۳- ماده واحده: از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد: ۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب سلب شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود. ۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد. ۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند. ۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد. ۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. ۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایذای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد. ۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند. ۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی

شهروندی مصوب ۱۳۹۵، حقوقی همچون حق کرامت و برابری انسانی (ماده ۷) ^{۲۴}، حق آزادی و امنیت شهروندی (ماده ۱۲) ^{۲۵}، حق آزادی اندیشه (ماده ۲۵) ^{۲۶}، حق آزادی بیان (ماده ۲۶) ^{۲۷}، حق دسترسی به

و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد. ۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. ۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد. ۱۱- پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد. ۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبیه تحریف یا القاء ایجاد نگردد. ۱۳- محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود. ۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آن‌ها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده شخصی و اداری به عمل آید. ۱۵- رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

۲۴- ماده ۷: شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.

۲۵- ماده ۱۲: آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.

۲۶- ماده ۲۵: شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد.

اطلاعات (ماده ۳۰) ۲۸، حق حریم خصوصی (ماده ۳۶) ۲۹، حق تشکل، تجمع و راهپیمایی (ماده ۴۳) ۳۰، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد (ماده ۴۷) ۳۱، حق تشکیل و برخورداری از خانواده (ماده ۵۱) ۳۲، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه (ماده ۵۶) ۳۳، حق اقتصاد شفاف و رقابتی (ماده ۶۸) ۳۴، حق مسکن

۲۷- ماده ۲۶: هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چهارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند.

۲۸- ماده ۳۰: حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه‌ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی شده و مورد نیاز جامعه می‌باشند.

۲۹- ماده ۳۶: حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.

۳۰- ماده ۴۳: شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود.

۳۱- ماده ۴۷: حق مسلم هر فرد ایرانی است که از مزایای تابعیت ایران بهره‌مند شود و کسی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود.

۳۲- ماده ۵۱: حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.

۳۳- ماده ۵۶: حق شهروندان است که به منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، انتظامی، اداری و نظارتی، دسترسی داشته باشند. هیچ‌کس را نمی‌توان از این حق محروم کرد.

۳۴- ماده ۶۸: شهروندان در حق دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و امکانات و خدمات عمومی و دولتی برابرند. انعقاد قراردادها و پیمان‌های بخش عمومی و دولتی با بخش خصوصی و اعطای هر نوع مجوز در حوزه اقتصادی به شهروندان باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط و رقابت منصفانه در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات انجام شود.

(ماده ۷۳) ۳۵، حق مالکیت (ماده ۷۵) ۳۶، حق اشتغال و کار شایسته (ماده ۷۷) ۳۷، حق رفاه و تأمین اجتماعی (ماده ۸۵) ۳۸، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی (ماده ۹۵) ۳۹، حق آموزش و پژوهش (ماده ۱۰۴) ۴۰، حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار (ماده ۱۱۲) ۴۱ و حق صلح، امنیت و اقتدار ملی (ماده ۱۱۶) ۴۲ به رسمیت

۳۵- ماده ۷۳: حق شهروندان است که از مسکن ایمن و متناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت براساس نیاز و با رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌نماید.

۳۶- ماده ۷۵: حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب، یا اموال او را مصادره یا ضبط یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او ممانعت، مزاحمت یا محدودیت ایجاد کند، مگر به موجب قانون.

۳۷- ماده ۷۷: حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.

۳۸- ماده ۸۵: آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.

۳۹- ماده ۹۵: برخورداری از آثار و فواید توسعه فرهنگی و پیشرفت‌های علمی، مشارکت در حیات فرهنگی و حمایت متوازن از جنبه‌های مختلف فرهنگ حق شهروندان است.

۴۰- ماده ۱۰۴: شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد.

۴۱- ماده ۱۱۲: حفاظت از محیط‌زیست (که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند) وظیفه‌ای همگانی است. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط‌زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط‌زیست حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط‌زیست مقابله می‌کند.

۴۲- ماده ۱۱۶: حق شهروندان است که از سیاست خارجی شفاف و صلح‌طلبانه در چهارچوب منافع و امنیت ملی، برخوردار باشند. دولت با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت، برقراری، حفظ و ارتقای روابط و مناسبات پایدار با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال می‌کند و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و روش‌های خردمندانه برای ترویج و تقویت گفت‌وگو، صلح، صیانت از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها، مبارزه با

شناخته شده است (پناهی و همایی، ۱۳۹۶، ۵).

منشور حقوق ایالات متحده آمریکا^{۴۳} نام ده اصلاحیه‌ای است که به «قانون اساسی ایالات متحده آمریکا»^{۴۴} الحاق شد. این متمم‌ها که قدرت «دولت فدرال»^{۴۵} را محدود و حقوق شهروندان ایالات متحده

خسونت و افراطی‌گری و دفاع از حقوق مظلومان تلاش می‌کند.

43- United States Bill of Rights

۴۴- قانون اساسی ایالات متحده آمریکا که در تاریخ ۱۷۸۹ میلادی به تصویب رسید، یکی از قدیمی‌ترین قانون‌های اساسی موجود جهان است و در طول بیش از دو سده و سی و چهار سال هنوز به قوت خود باقی است. در حقیقت هیچگاه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا تغییر نکرده و صرفاً اصلاحیه‌هایی به آن افزوده شده است. به همین دلیل، قانون اساسی این کشور از ثبات و انسجام فراوانی برخوردار است و به‌عنوان یک میراث ملی در میان مردم ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شود. اصول این قانون از هفت فصل تشکیل شده که هر یک از فصول چندین بخش را دربرمی‌گیرد. روح کلی حاکم بر قانون اساسی بر سه محور اصلی قرار دارد که به‌عنوان محورهای غیرقابل تغییر در نظر گرفته شده‌اند. این سه محور عبارت‌اند از: تفکیک قوا در ایالات متحده آمریکا، نظام انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا و نظام فدرالی ایالات متحده آمریکا. هر یک از این اصول غیرقابل تغییر نیز در آرمان‌ها و اهداف رهبران استقلال و بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا ریشه دارد. بسیاری از مهاجران اروپایی و بازرگانان که از کنترل سیاسی و اقتصادی بریتانیا بر همه ارکان این کشور ناراضی بودند، هرگونه استبداد مطلقه را نفی کردند و برابری - البته برابری سفیدپوستان - را سرلوحه روابط اجتماعی خود قرار دادند. به دلیل وجود اعلامیه استقلال و خروج مستعمرات از حیطه کنترل حکومت بریتانیا، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا تدوین و جایگزین قواعد نظام حقوقی بریتانیا شد. گرچه قانون اساسی یازده سال پس از امضای اعلامیه استقلال تنظیم شد ولی قانون اساسی جدید دربردارنده حکومتی با آزادی‌هایی بود که نویسندگان آن را پیش‌بینی کرده بودند. رؤیای آن‌ها ایجاد سه قوه مجزا برای حکومت بود: مقننه، مجریه و قضاییه. هر قوه اختیار تعدیل بخشی از حکومت را داشت به نحوی که یک قوه از حکومت هرگز تسلط کامل بر زندگی شهروندان آمریکایی نداشت. بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا تلاش کردند تا سر حد امکان در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا و همچنین در سند قانون اساسی، نظام حکومتی جدید را به گونه‌ای طراحی کنند که از قدرت گرفتن فرد یا گروهی جلوگیری به عمل آورد و اجازه ندهد آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان خدشه‌دار شود. این اصول در منشور حقوق تجلی یافت. به‌علاوه حفظ وحدت میان مستعمرات سیزده‌گانه و نفی سلطه دولت فدرال بر دولت‌های ایالتی نیز یکی دیگر از دغدغه‌های بنیانگذاران کشور جدید بود. این موارد بخش عمده‌ای از اصول و بندهای سند قانون اساسی را بر خود اختصاص داده است.

امریکا را تضمین می‌کرد، پس از «نبرد ایالات متحده آمریکا با بریتانیا»^{۴۶} به قانون اساسی ایالات متحده آمریکا افزوده شد. منشور حقوق در معیارهای تصویب قوانین کشوری و حقوقی و زندگی مردم ایالات متحده آمریکا تأثیر بسیاری داشته است. مؤسسان ایالات متحده آمریکا در آن زمان با هدف حفاظت از آزادی‌های فردی و محدود کردن قدرت حکومت خودکامه، ده متمم را به قانون اساسی این کشور تازه تأسیس اضافه کردند که به «منشور حقوق» معروف شد. شماری از ایالت‌ها به رهبری «ویرجینیا»^{۴۷}، هنگام

۴۵- حکومت فدرال ایالات متحده آمریکا (Federal government of the United States) جمهوری‌ای در آمریکای شمالی است، که متشکل از پنجاه ایالت، ناحیه واشینگتن، دی.سی. (پایتخت کشور)، پنج قلمروی خودگردان اصلی و چندین جزیره کوچک حاشیه‌ای است. حکومت فدرال از سه قوه متمایز تشکیل می‌شود: مقننه، مجریه و قضاییه که قانون اساسی ایالات متحده آمریکا وظایف و اختیارات این سه قوه را به ترتیب به کنگره ایالات متحده آمریکا، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و قوه قضاییه فدرال ایالات متحده آمریکا اعطاء کرده است. قدرت و وظایف این قوه‌ها به وسیله کنگره تعیین و تصویب می‌شود.

۴۶- جنگ انقلاب ایالات متحده آمریکا (۱۷۸۳-۱۷۷۵ میلادی) یا جنگ استقلال ایالات متحده آمریکا در ابتدا با درگیری بین پادشاهی بریتانیای کبیر و مستعمرات سیزده‌گانه بریتانیا در آمریکای شمالی آغاز شد و سرانجام به یک درگیری سراسری میان چندین قدرت بزرگ اروپایی تبدیل شد. جنگ انقلاب ایالات متحده آمریکا نتیجه انقلاب سیاسی ایالات متحده آمریکا بود که با کشمکش مابین پارلمان بریتانیای کبیر و مستعمره‌نشینانی که به قانون تمبر اعتراض داشتند آغاز گردید. آمریکایی‌ها تصویب قانون تمبر را مغایر با قانون اساسی می‌پنداشتند. پارلمان بر حقش مبنی بر مالیات بستن بر مستعمره‌نشینان پای می‌فشرد و آمریکاییان خواستار احقاق حقوق‌شان به‌عنوان شهروندان بریتانیا بودند و پرداخت مالیات را بدون حضور در پارلمان برنمی‌تابیدند. آمریکایی‌ها در هر مستعمره دولت سایه تشکیل دادند و کنگره قاره‌ای را تأسیس نمودند. بایکوت چای بریتانیا از جانب آمریکایی‌ها در سال ۱۷۷۳ میلادی به جنبش چای بوستون منجر شد. لندن در پاسخ به وقوع مهمانی چای، دولت مستقل ماساچوست را برانداخت و آن را تحت سیطره ارتش به فرماندهی ژنرال توماس گیج کرد. در آوریل ۱۷۷۵ میلادی گیج ارتش کمکی را برای خواباندن طغیان‌ها و یاغی‌گری‌ها به خارج از بوستون گسیل کرد. شبه‌نظامیان محلی که به «مردان کوچک» معروف بودند به رویارویی با ارتش بریتانیا برخاستند و تقریباً مقدمه لشکر را نابود کردند. نبردهای لگزینگتون و کنکورده آتش جنگ را شعله‌ور ساخت. احتمال هر گونه مصالحه هنگامی که مستعمره‌نشینان در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ میلادی اعلام استقلال کردند و کشور جدید ایالات متحده آمریکا را بنا گذاردند.

۴۷- ویرجینیا (Virginia) که با نام رسمی مشترک المنافع ویرجینیا شناخته می‌شود، یکی از ایالت‌های ایالات متحده آمریکا است که در منطقه آتلانتیک میانه ایالات متحده آمریکا واقع شده است. ویرجینیا به دلیل این که

تصویب قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۹ میلادی در کنگره دوم قاره‌ای در «فیلادلفیا»^{۴۸}، تأیید قانون اساسی را به تصویب «منشور حقوق»^{۴۹} مشروط کردند. این ایالت‌ها که نسبت به نقض حقوق شهروندان توسط دولت در حال تأسیس در ایالات متحده آمریکا به شدت نگران بودند، بر این باور بودند که الحاق اصلاحیه‌هایی به قانون اساسی می‌توانست آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان تضمین کند. ده اصلاحیه اول قانون اساسی که به «منشور حقوق» مشهور شد از تلاش‌های «توماس جفرسون»^{۵۰} در جهت احقاق حقوق و آزادی‌های شهروندان از جمله آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، دین و حق برابری در مقابل دادگاه به شمار می‌آید. در اصل برای جلوگیری از خودکامگی حکومت این حقوق شهروندان تصریح شد و مؤسسان ایالات متحده آمریکا این اختیار را به مردم دادند تا با ایجاد گروه‌های شبه نظامی برای مقابله با خودکامگی احتمالی زمامداران و جلوگیری از ایجاد استبداد در این کشور بتوانند

اولین و قدیمی‌ترین قلمرو پادشاهی انگلستان و نیز زادگاه بیشترین رؤسای جمهوری ایالات متحده آمریکا بوده با نام‌های مستعار «قلمرو کهن» و «مادر رؤسای جمهور» شناخته می‌شود. جغرافیا و آب و هوای این ایالت تحت تأثیر کوهستان بلو ریج و خلیج چساپیک است که زیست‌بوم گیاهی و جانوری این ایالت را پدید آورده است. پایتخت آن ریچموند، ویرجینیا (Richmond) و پرجمعیت‌ترین شهر آن ویرجینیا بیچ است. همچنین شهرستان فرفکس از پرجمعیت‌ترین تقسیمات سیاسی آن است. جمعیت تخمینی ویرجینیا در سال ۲۰۱۴ بالغ بر سه میلیون و هشتصد هزار نفر برآورد شده است. بر همین اساس ویرجینیا دوازدهمین ایالت پرجمعیت در ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رود. همچنین مقر ساختمان وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا (پنتاگون) و مقر سازمان اطلاعات مرکزی در این ایالت است.

۴۸- فیلادلفیا (Philadelphia) پنجمین شهر پرجمعیت ایالات متحده آمریکا است. این شهر دومین شهر بزرگ ساحل شرقی ایالات متحده آمریکا بعد از نیویورک و شهر مهم ایالت پنسیلوانیا است. فیلادلفیا اولین پایتخت ایالات متحده آمریکا بوده و قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در این شهر و در تالار استقلال این شهر به امضا رسیده است.

49- Bill of Rights

۵۰- توماس جفرسون (Thomas Jefferson) (سیزدهم آوریل ۱۷۴۳ میلادی در شهر دول مستعمره ویرجینیا - چهارم ژوئیه ۱۸۲۶ میلادی)، یکی از متفکران اصلی و از بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا (برای ترویج ایده‌آل‌های جمهوری‌خواهی در ایالات متحده آمریکا)، نویسنده اصلی اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا و از ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹ میلادی در دو دوره متوالی چهار ساله سومین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بود. وی همچنین باستان‌شناس، دیرین‌شناس و نویسنده بود. او دانشگاه ویرجینیا را در سال ۱۸۱۹ میلادی بنیان نهاد.

عکس‌العمل نشان دهند. متمم اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (آزادی بیان) ^{۵۱}، متمم دوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (آزادی اسلحه) ^{۵۲}، متمم سوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (عدم حضور بی‌اجازه نیروهای نظامی در خانه‌های شخصی در زمان صلح و جنگ) ^{۵۳}، متمم چهارم قانون

۵۱- متمم اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا حکومت را از وضع قوانین برای تثبیت یک دین به‌عنوان دین رسمی، ممنوع کردن اعتقاد آزاد به دین، یا محدود کردن آزادی بیان، حق تجمع صلح آمیز، یا حق شکایت به منظور جبران خسارت‌ها از سوی دولت بازمی‌دارد. این متمم که در پانزدهم دسامبر ۱۷۹۱ میلادی تصویب شد یکی از ده متممی بود که منشور حقوق ایالات متحده آمریکا را شکل دادند. منشور حقوق در ابتدا برای آرام کردن مخالفت ضد فدرالیست‌ها با تصویب قانون اساسی پیشنهاد شد. در آغاز، متمم اول تنها به قوانینی اعمال می‌شد که کنگره ایالات متحده آمریکا تصویب می‌کرد، بسیاری از مفاد آن بسیار محدودتر از امروز تفسیر می‌شد. با پرونده گیتلو در برابر نیویورک (۱۹۲۵)، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا متمم اول را از طریق عبارت رویه عادلانه قضایی متمم چهاردهم قانون اساسی به ایالات (فرایندی که به الحاق موسوم است) اعمال کرد. بر طبق این سند: «کنگره در خصوص رسمیت بخشیدن به یک دین، یا منع پیروی آزادانه از آن یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات یا حق مردم برای برپایی اجتماعات آرام و دادخواهی از حکومت برای جبران خسارت، هیچ قانونی را وضع نمی‌کند.»

۵۲- متمم دوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا از حق مردم برای داشتن و حمل اسلحه محافظت می‌کند و در پانزدهم دسامبر ۱۷۹۱ میلادی، به‌عنوان بخشی از ده متمم گنجانده شده در منشور حقوق ایالات متحده آمریکا تصویب شده است. دیوان عالی ایالات متحده آمریکا حکم کرده است که این حق متعلق به افراد است و در عین حال حکم کرده است که این حق نامحدود نیست و وجود این حق، وضع هر نوعی از مقررات درباره جنگ‌افزار گرم یا ابزارهای مشابه آن را ممنوع نمی‌کند. با الحاق منشور حقوق، دولت‌های ایالتی و محلی هم به اندازه دولت فدرال، از نقض این حق منع شده‌اند. متمم دوم تا حدی مبتنی بر حق داشتن و حمل اسلحه در حقوق عرفی انگلستان بود و تحت تأثیر منشور حقوق ۱۶۸۹ میلادی انگلستان قرار داشت. سر ویلیام بلکستون این حق را یک حق کمکی توصیف کرد که از حقوق طبیعی دفاع از خود، مقاومت در برابر سرکوب و وظیفه مدنی عملکرد هماهنگ در دفاع از حکومت، پشتیبانی می‌کند. بر طبق این سند: «از آنجا که داشتن یک نیروی شبه نظامی برای امنیت یک کشور آزاد ضروری می‌باشد، حق ملت برای نگهداری و حمل اسلحه نباید نقض شود.»

۵۳- متمم سوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (Third Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های منشور حقوق ایالات متحده آمریکا است. بر طبق این سند: «هیچ عضوی از نیروهای انتظامی نه در زمان صلح و نه در زمان جنگ بدون رضایت صاحب‌خانه در هیچ خانه‌ای مستقر نخواهد شد، مگر به ترتیبی که به موجب قانون معین کند.»

اساسی ایالات متحده امریکا (امنیت مالی و جانی) ^{۵۴}، متمم پنجم قانون اساسی ایالات متحده امریکا (حکم جرایم سنگین، علیه خود شهادت دادن) ^{۵۵}، متمم ششم قانون اساسی ایالات متحده امریکا (حقوق دادرسی) ^{۵۶}، متمم هفتم قانون اساسی ایالات متحده امریکا (حقوق هیئت منصفه) ^{۵۷}، متمم هشتم قانون

۵۴- متمم چهارم قانون اساسی ایالات متحده امریکا (Fourth Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های منشور حقوق ایالات متحده امریکا است. بر طبق این سند: «حق امنیت جان، مسکن، اوراق و اسناد و مصونیت دارایی‌های مردم در برابر تفتیش و توقیف غیرموجه تضمین می‌شود و هیچ‌گونه حکم بازداشت اشخاص یا توقیف اموال صادر نمی‌شود، مگر بر پایه یک دلیل محتمل با سوگند یا اعلام رسمی و محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شود دقیقاً باید مشخص شود.»

۵۵- متمم پنجم قانون اساسی ایالات متحده امریکا (Fifth Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های منشور حقوق ایالات متحده امریکا است. بر طبق این سند: «هیچ شخصی به سبب ارتکاب جرم سنگین یا جرم نامعین مسئول شناخته نخواهد شد مگر براساس کیفرخواست یا اعلام جرم هیئت عالی منصفه و مگر در موارد مربوط به نیروهای زمینی، دریایی یا نیروهای شبه نظامی مردمی که عملاً در حال خدمت در زمان جنگ یا خطر عمومی باشند. هیچ‌کس برای یک جرم دوبار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ‌کس در هیچ مورد کیفری به ادای شهادت علیه خود مجبور یا از زندگی آزاد و دارایی خویش بدون طی مراحل قانونی لازم محروم نخواهد شد. اموال خصوصی بدون پرداخت غرامت عادلانه مورد استفاده عمومی قرار نخواهد گرفت.»

۵۶- متمم ششم قانون اساسی ایالات متحده امریکا (Sixth Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های منشور حقوق ایالات متحده امریکا است. بر طبق این سند: «در کلیه دادرسی‌های کیفری، متهم از حقوق ذیل برخوردار خواهد بود: حق محاکمه سریع و علنی توسط هیئت منصفه بی‌طرف ایالت و منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده است، منطقه مزبور را باید قانون از پیش تعیین کرده باشد، حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام، حق مواجهه با شهودی که علیه او شهادت می‌دهند، احضار شهود به نفع خود، و حق داشتن وکیل برای دفاع از خود.»

۵۷- متمم هفتم قانون اساسی ایالات متحده امریکا (Seventh Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های در منشور حقوق ایالات متحده امریکا است. بر طبق این سند: در دعوی حقوق نانوشته، هنگامی که ارزش مسئله مورد اختلاف بیش از بیست دلار باشد، حق رسیدگی هیئت منصفه محفوظ خواهد بود و هر جرمی که هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار دهد، در هیچ دادگاه دیگری در ایالات متحده امریکا به گونه دیگری دوباره مورد رسیدگی قرار نخواهد گرفت مگر براساس قواعد حقوق نانوشته.

اساسی ایالات متحده آمریکا (مجازات غیرمتعارف یا سنگین)^{۵۸}، متمم نهم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (عدم نفی حقوق مردم)^{۵۹} و متمم دهم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (حقوق مردم)^{۶۰}. پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی در صدد شناسایی نقاط مشترک و افتراقات سیاست کیفری در جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌باشد. پرسش پیش روی پژوهش حاضر این است که سیاست کیفری جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح در دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا چگونه می‌باشد؟

۱- مروری بر جرائم علیه شهروندان در نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا

مبهرن است مأموریت پلیس در جامعه اجرای قانون است و هدف از اجرای قانون برقراری نظم و امنیت و حفظ حقوق جامعه و شهروندان است. از این رو؛ جدیت در اجرای قانون، شرط ضروری و لازم برای غلبه بر نابرابری‌های اجتماعی و عامل مهمی در ارتقای اعتبار پلیس و میزان اعتماد به آن محسوب می‌شود. اما بی‌شک افراط در قانون‌گرایی و آزادی عملی که قانون‌گذار و عرف سازمانی، به نیروی پلیس داده است نیز می‌تواند یکی از عوامل نارضایتی مردم و کارکرد نامطلوب پلیس در اجتماع شناخته شود. به طور مثال ما معتقدیم یکی از عوامل نقض حقوق شهروندی توسط نیروی پلیس امنیت گرای افراطی است؛ که این نیرو با تمسک به آن در مرحله اجرایی بعضاً ناقض حریم خصوصی افراد و نیز حق آزادی‌های مشروع آنان می‌شوند. البته این بدین معنا نیست که ما منکر کارکردهای مثبت امنیت مداری باشیم، بلکه سخن از

۵۸- متمم هشتم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (Eighth Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های در منشور حقوق ایالات متحده آمریکا است. بر طبق این سند: «اخذ وجه ضمان سنگین و جزای نقدی یا اعمال مجازات ظالمانه یا غیرمتعارف ممنوع می‌باشد.»

۵۹- متمم نهم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (Ninth Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های در منشور حقوق ایالات متحده آمریکا است. بر طبق این سند: «ذکر برخی حقوق در قانون اساسی به مفهوم نفی یا انکار سایر حقوقی که مردم کسب کرده‌اند، تعبیر نخواهد شد.»

۶۰- متمم دهم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (Tenth Amendment to the United States Constitution) یکی از اصلاحیه‌های در منشور حقوق ایالات متحده آمریکا است. بر طبق این سند: «اختیاراتی که به موجب قانون اساسی به ایالات متحده آمریکا اعطاء نگردیده یا برای ایالت‌ها ممنوع نشده باشد، برای ایالت‌های ذی‌ربط، یا مردم محفوظ خواهد بود.»

افراط در این رویکرد است. از سوی دیگر برخی از محققان معتقدند که: پلیس باید آینه جامعه باشد. چنین وضعی باعث می‌شود افرادی از گروه‌های قومی، فرهنگی و مذهبی مختلف در یک سازمان در کنار یکدیگر قرار بگیرند. به صورت طبیعی، در چنین حالتی، وضع موجود در جامعه (کلیشه‌ها، رفتار نابرابر و تبعیض آمیز) به داخل سازمان پلیس کشیده می‌شود و احتمالاً، افراد متعلق به گروه‌های اقلیت وضع نامساعدی پیدا می‌کنند. از این رو، امکان وقوع رفتار تبعیض آمیز و نابرابر در تعامل پلیس و مردم و یا افراد پلیس با یکدیگر زیاد است (پناهی و همایی، ۱۳۹۶، ۵).

قانون‌گذار در ماده «۱۲۶»^{۶۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده «۹۵»^{۶۲} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) و ماده‌های «۵۷۰»^{۶۳} (ماده «۸۳»^{۶۴} قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴)، «۵۷۲»^{۶۵}، «۵۷۳»^{۶۶}، «۵۷۴»^{۶۷}، «۵۷۵»^{۶۸} (ماده «۹۰»^{۶۹} قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴)

۶۱- ماده ۱۲۶: هر نظامی که علناً نشان‌ها و مدال‌ها و علائم و درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود بدون مجوز یا بدون حق، استفاده نماید یا از لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسائی خود برای مقاصد غیرقانونی استفاده کند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود مگر این که به موجب این قانون و یا قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به آن مجازات محکوم می‌گردد.

۶۲- ماده ۹۵: هر نظامی که علناً نشان‌ها و مدال‌ها و علامت‌ها و درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود بدون مجوز یا بدون حق استفاده نماید به حبس از دو ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

۶۳- ماده ۵۷۰: هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۶۴- ماده ۸۳: هر یک از اشخاص مذکور در ماده قبل که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی به آن‌ها داده محروم نماید از شغل خود منفصل و از پنج تا ده سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد.

۶۵- ماده ۵۷۲: هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و درخصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد.

و «۵۸۳»^{۷۰} کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به موضوع جرائم علیه شهروندان اشاره داشته است. ماده «۵۷۰» کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در جایی کاربرد دارد که هیچ مقرر دیگری به صراحت عمل را جرم‌انگاری نکرده باشد. بنابراین در جایی که یک عمل به صراحت در قانون دیگری جرم‌انگاری شده و دارای مجازات است محلی برای اجرای ماده «۵۷۰» وجود ندارد، حتی اگر این مجازات کمتر یا بیشتر باشد (پناهی و همایی، ۱۳۹۶، ۱۳). ماده «۵۷۰» تنها شامل سلب آزادی شخصی نمی‌شود بلکه سلب هرگونه آزادی که به موجب قانون اساسی و مدنی برای افراد ملت شناخته شده است از مصادیق ماده فوق می‌باشد (باوی، ۱۳۹۱، ۱۶۲). دلیل عدم تمایل قضات^{۷۱}

۶۶- ماده ۵۷۳: اگر مسئولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیتدار شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهند شد.

۶۷- ماده ۵۷۴: اگر مسئولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها از ارائه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضائی یا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر این که ثابت نمایند که به موجب امر کتبی رسمی از طرف رئیس مستقیم خود مأمور به آن بوده‌اند که در این صورت مجازات مزبور درباره آمر مقرر خواهد شد.

۶۸- ماده ۵۷۵: هرگاه مقامات قضائی یا دیگر مأمورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.

۶۹- ماده ۹۰: هر گاه مدعی عمومی استیناف یا بدایت یا معاونین آن‌ها یا مستنطقین یا قضات یا مأمورین دولتی یکی از افراد مملکت را در مواردی که قانون مقرر نکرده است امر به توقیف دهند یا در غیر موارد معینه قانونی جزائاً تعقیب و قرار اتهام او را بدهند به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهند شد.

۷۰- ماده ۵۸۳: هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ هیات وزیران به هشتاد تا دویست و پنجاه میلیون ریال تعدیل شد.

۷۱- شاید بهترین دلیل در تأیید این مدعا آن باشد که تاکنون در دستگاه قضائی، آرای بسیار معدودی به استناد ماده «۵۷۰» صادر شده است و یا در صورت استناد، متهمان آن کمتر محکوم شده‌اند. در یکی از این آرا،

برای استناد به ماده «۵۷۰» را بتوان در کلی گویی ابهام و به طور کلی تخلف قانون گذار از اصل کیفی بودن قوانین کیفری، یعنی عدم شفافیت و وضوح قانون در عبارت «آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید» جستجو کرد (موذن زادگان و محمد کوره پز، ۱۳۹۵، ۶۱). اگرچه گفته شده که منظور از این عبارت، حقوقی است در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «حقوق ملت» مقرر شده است (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۲۹۵).

به موجب ماده «۵۷۵» عنصر مادی مجرمانه عبارت است از توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی

استاندار از اتهام تخریب غیرقانونی قسمتی از ساختمان و اموال منقول (متهم ردیف اول و فرماندار از اتهام معاونت در تخریب ساختمان، دیوار و اموال منقول (متهم ردیف دوم) براءت یافتند: «... هرچند دستور صادره از طرف متهم ردیف اول خارج از اختیارات او بوده لیکن با توجه به مکاتبات انجام شده و اخطاریه‌های صادر شده که شاکي به هیچ کدام از آنها توجه نکرده است و این که متهمان نفع شخصی در دستور صادره یا خصومت با شکات نداشته‌اند و در جهت حفظ و حراست از منابع طبیعی بوده است، سوءنیت آنان احراز نمی‌گردد...» (دادنامه شماره ۶۶-۶۸ مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۳۱ شعبه هفتادوششم دادگاه کیفری استان). اما این رأی مورد تأیید شعبه بیستم دیوان عالی کشور قرار نگرفت: «با توجه به محتویات پرونده از جمله دستور کتبی آقای استاندار در خصوص قلع بنا نظریه کارشناس تعیین شده در پرونده مذکور و رأی صادره از دیوان عدالت اداری دایر بر توقف عملیات تخریب ساختمان و سپس دادنامه شماره ۲۰۴۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰ در خصوص نقض رأی صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری و استناد دادگاه عدم احراز سوءنیت متهمین صحیح نبوده؛ زیرا اقدام برخلاف قانون توسط متهمین خود دلیل بر سوءنیت است...» (دادنامه شمار ۲۰/۶۳۲ مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۳۰ شعبه بیستم دیوان عالی کشور). از این رو، پرونده به شعبه هفتادونهم دادگاه کیفری استان ارجاع شد. این شعبه نیز در مقام رأی اصراری در دادنامه شماره ۶۰۰۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۰۳/۱۹ همسو با شعبه هفتادوششم دادگاه کیفری استان بیان داشت: «... چون متهمان اظهار داشته‌اند با فرض این که وظیفه قانونی آنان جلوگیری از احداث بنای غیرمجاز است اقدام کرده‌اند و به محض شنیدن نظر معاون قضایی ریاست دادگستری کل استان... تخریب را متوقف کرده‌اند، لذا به نظر دادگاه، نامبردگان فاقد قصد مجرمانه بوده و با فرض انجام وظیفه قانونی اقدام کرده‌اند... به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، حکم بر براءت آنان صادر و اعلام می‌نماید...» سرانجام شعبه بیستم دیوان عالی کشور بیان داشت: «... پرونده در اجرای ماده ۲۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری جهت طرح در هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور، به نظر معاونت محترم دیوان عالی کشور می‌رسد» (موذن زادگان و محمد کوره پز، ۱۳۹۵، ۶۱).

یا صدور قرار مجرمیت نسبت به دیگری. اقدامات مذکور از جمله اقداماتی است که در صلاحیت مراجع قضایی و انتظامی می‌باشد (باوی، ۱۳۹۱، ۱۶۵). منظور از توقیف در این ماده، عمل مادی دستگیر کردن شخص و جلوگیری از ادامه طریق و بالجمله محروم ساختن او از اختیار رفتن و آمدن در مدت نسبتاً کوتاه است که معمولاً از بیست و چهار ساعت تجاوز نمی‌کند. جلب نیز نوعی دستگیری و تحت نظر قرار دادن است و لذا موجب سلب آزادی تن و از مصادیق توقیف در مفهوم آن می‌باشد و باید در مواردی که قانون معین کرده است و به امر مقام صلاحیتدار و با رعایت ترتیبات قانونی صورت گیرد والا غیرقانونی بوده و مرتکب یا مرتکبین مستوجب تعقیب خواهند بود (باوی، ۱۳۹۱، ۱۶۷). بازداشت یکی از قرارهای تأمینی است که مقامات قضایی صادر نموده و منتهی بر سلب آزادی تن اشخاص می‌گردد. منظور از قرار بازداشت موقت در توقیف نگاه داشتن در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی است که امکان دارد تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهایی و شروع به اجرای آن ادامه یابد (آخوندی، ۱۳۸۲، ۱۵۴).

برای این که اقداماتی مطابق ماده «۵۷۴» جرم تلقی شوند باید شرایطی وجود داشته باشند. این شرایط عبارتند از: اول اقدام مرتکب برخلاف قانون باشد. منظور از این قید آن است که اقدام مرتکب به طور خودسرانه و با اراده شخصی انجام گرفته باشد. در بسیاری از موارد هم در قانون و هم در رویه قضایی به عبارت «سلب آزادی به اراده شخصی» اشاره شده است بدون این که معیار معینی در این رابطه پیش‌بینی شده باشد. سوالی که مطرح می‌شود آن است که ملاک و معیار خودسرانه یا خلاف قانون چیست؟ آیا هر نوع تخلف و تخطی از مقررات، مشمول عنوان خلاف قانون خواهد بود؟ مسلماً پاسخ به این سوال منفی است زیرا بسیاری از تخلفات ممکن است جنبه انتظامی داشته و فقط مسئولیت انتظامی مرتکب را به دنبال داشته باشد. مثلاً در صورتی که متهم بدون احضار جلب شده باشد این اقدام برخلاف ترتیبات قانونی خواهد بود (باوی، ۱۳۹۱، ۱۶۷). دوماً مرتکب جزء مامورین ذیصلاح باشد. در صورتی که مرتکب فاقد صلاحیت قانونی باشد و اقدام به سلب آزادی نماید و جرم ارتكابی در ارتباط با وظیفه رسمی وی باشد، طبق ماده «۵۷۰» مجازات خواهد شد و اگر جرم ارتكابی در ارتباط با وظیفه رسمی وی نباشد طبق ماده «۵۸۳» قابل مجازات خواهد بود (باوی، ۱۳۹۱، ۱۷۱).

در مورد فعل مادی در ماده «۵۷۳» قانون گذار فقط به فعل «پذیرش» افراد توسط مسئولین بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها بدون ملاحظه و اخذ برگ بازداشت (حکم یا رای) صادره از مقامات صلاحیتدار اشاره دارد. برای این که فعل مذکور جرم باشد باید مشتمل بر موارد ذیل باشد: اولاً شخص باید در زندان پذیرفته شود. منظور

از پذیرش زندانی یعنی اجازه ورود اشخاص به داخل مراکز سلب آزادی اعم از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و یا سایر مراکز وابسته به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مانند مراکز کار و کشاورزی، ترک اعتیاد و معالجه معتادان و نیز مراکز درمانی و طبی وابسته است. چون تدابیر سالب آزادی اعم از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استثنایی بوده و باید به موجب قانون و به دستور مقامات صالح قضایی اجرا شود مراکز و مؤسسات وابسته به زندان‌ها مجاز نمی‌باشند برخلاف ترتیب فوق شخصی را به‌عنوان زندانی بپذیرند. دوما پذیرفتن شخص باید به‌عنوان زندانی باشد. شخصی که از وی سلب آزادی شده باید به‌عنوان زندانی پذیرفته شده باشد. آیا منظور از زندانی فقط افراد محکوم به حبس می‌باشند و یا این که مفهوم عام آن مورد نظر بوده و شامل افرادی که به موجب قرار مقامات صلاحیتدار بازداشت می‌شوند نیز می‌گردد؟ در این ارتباط اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این سوال که منظور از زندانی کیست؟ و آیا به متهمی که با صدور قرار به زندان اعزام می‌شود نیز اطلاق می‌گردد یا خیر؟ پاسخ گفته است.^{۷۲} سوما پذیرش زندانی بدون حکم یا قرار مقامات ذیصلاح انجام شده باشد. در عنصر مذکور دو شرط وجود دارد. یکی این که پذیرش شخصی به‌عنوان زندانی باید بدون حکم یا قرار رسمی صورت گرفته باشد و دوم این که حکم یا قرار مذکور باید توسط مقام غیرصلاحیتدار صادر شده باشد (باوی، ۱۳۹۱، ۱۷۵).

در ماده «۵۷۲» فعل مرتکب مشتمل بر عدم استماع شکایت افرادی است که به طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند و عدم اتخاذ تدابیر لازم پیش‌بینی شده در قانون نسبت به آن می‌باشد. از لحاظ عنصر مادی، جرم مورد نظر جرم مرکب می‌باشد. به این معنی که برای تحقق محتاج به وجود شرایط مختلف و متفاوتی است. قانون‌گذار به دو فعل مجزا اشاره نموده که تحقق هر دو به طور همزمان و پیوسته موجب تحقق فعل مادی مجرمانه خواهد شد و عبارتند از عدم استماع شکایت افرادی که به طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند و عدم اثبات این که در قبال شکایت مذکور اقدامات لازم معمول و مجری گشته‌اند. به این ترتیب اگر شخصی که بازداشت شده مدعی غیرقانونی بودن بازداشت خود شده و لیکن ضابطان

۷۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۴۵ مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۱۳: با عنایت به بند پنجم ماده ۱۲۹ و مواد ۱۳۷، ۱۴۵، ۴۸۶ و ۴۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و آیین نامه و مقررات زندان‌ها و اصلاحیه آن به خصوص مواد ۲، ۲۵ و ۱۱۶ آیین نامه و مقررات اخیرالذکر، زندانی اصطلاحی عام و به متهمی که توقیف (بازداشت) شده و در بازداشتگاه است یا محکوم علیه که به حکم قطعی محکوم شده و در زندان به سر می‌برد اطلاق می‌شود.

قضایی به شکایت وی توجهی ننمایند در صورتی که بعداً ثابت شود بازداشت مذکور غیرقانونی بوده به خاطر عدم ترتیب اثر به اعتراض مذکور طبق ماده «۵۷۲» قابل مجازات خواهند بود، اما اگر ضابط قضایی اثبات نماید که شکایت مذکور را استماع نموده با این وجود برای رهایی از مسئولیت کیفری باید ثابت نماید اقدام لازم را از قبیل اطلاع به مقامات قضایی ذریعاً انجام داده است. در صورتی که قادر به اثبات این امر نباشد تحت عنوان خودداری از ایفای وظایف قانونی در قبال بازداشت غیرقانونی مسئولیت خواهد داشت. شرایطی که به موجب ماده «۵۷۲» باید مهیا باشند عبارتند از: اولاً شخص باید حبس شده باشد. در ماده «۵۷۲» قید گردیده است که شخص برخلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطان دادگستری نموده و آنان اقدام لازم را به عمل نیاورده باشند. دوماً سلب آزادی به طور غیرقانونی انجام شده باشد. این شرط در ابتدای ماده مذکور تحت عنوان «هرگاه شخص برخلاف قانون حبس شده باشد» اشاره شده است. هر چند اطلاق و عموم عبارت مذکور شامل هر نوع حبس غیرقانونی است اعم از این که توسط اشخاص و مقامات رسمی و یا اشخاص عادی صورت گرفته باشد اما می‌توان گفت منظور قانون گذار فقط سلب غیرقانونی آزادی تن توسط مقامات رسمی است؛ زیرا کلمه حبس ناظر به حالتی است که به دستور مقامات رسمی از فردی سلب آزادی به عمل آمده باشد همچنین ضابطان قضایی و ماموران انتظامی نیز فقط در ارتباط با دستورها و احکام مقامات رسمی عهده دار وظایف محوله از جمله اقدام در برابر سلب آزادی تن افراد می‌باشند، به عبارت دیگر جرم مذکور در ارتباط و اجرای وظایف ضابطان قضایی است و در نتیجه منصرف از توقیف غیرقانونی توسط افراد عادی است. سوم شخصی که به طور غیرقانونی حبس شده از حبس غیرقانونی شکایت نموده باشد. ضابطان قضایی در قبال تخلف از ایفای وظایف قانونی در صورتی مسئولیت کیفری خواهند داشت که اقدام آن‌ها مسبوق به شکایت و اعتراض افرادی باشد که به طور غیرقانونی از آزادی تن خویش محروم شده‌اند. به این ترتیب اگر اعتراض و شکایتی تسلیم آن‌ها نشده باشد طبق منطوق ماده فوق الذکر نمی‌توان آن‌ها را به خاطر عدم ایفای وظیفه پیش‌بینی شده مسئول دانست. قانون‌گذار چنین مسئولیتی را در صورتی برعهده ضابط قضایی گذارده است که ثابت شود وی به رغم اطلاع از بازداشت غیرقانونی به موجب شکایت یا اعتراض محکوم بی‌گناه از ایفای وظیفه خودداری نموده است (باوی، ۱۳۹۱، ۱۷۸).

ماده «۱۲۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ بر جرائمی غیر از جرائم ماده «۳۸»، بند ج ماده «۴۲»^{۷۳}، بند ج ماده «۴۳»^{۷۴}، بند ج ماده «۴۴»^{۷۵}، بند ج ماده «۵۱»^{۷۶} و بند ج ماده «۷۸»^{۷۷} می‌باشد که به موجب ماده «۱۳۰»^{۷۸} قانون مذکور صرفاً تخلف انضباطی محسوب شده‌اند. ماده «۱۲۶» توسط تبصره

۷۳- ماده ۴۲: هر نظامی که باید به طور انفرادی یا جمعی به مأموریت برود عمداً و بدون عذر موجه در وقت مقرر حاضر نگردد به ترتیب زیر محکوم می‌شود: ج- در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از دو ماه تا یک سال.

۷۴- ماده ۴۳: هر نگهبان که محل نگهبانی خود را بدون مجوز ترک نماید در صورتی که در مقابل دشمن با همکاری یا تبانی باشد یا عمل وی موجب اختلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب محکوم، در غیر این صورت به شرح زیر مجازات می‌شود: ج- در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا دو سال.

۷۵- ماده ۴۴: هر نظامی که در حین نگهبانی به طور ارادی بخوابد به شرح زیر محکوم می‌شود: ج- در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از دو ماه تا یک سال.

۷۶- ماده ۵۱: هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسبتر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد: ج- در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

۷۷- ماده ۷۸: هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی برخلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسئول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوءنیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذی‌صلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارش‌ها و جرائم را به موقع اعلام نکند به ترتیب زیر محکوم می‌شود: ج- در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

۷۸- ماده ۱۳۰: اعمالی که به موجب ماده «۳۸» و بند (ج) مواد «۴۲»، «۴۳»، «۴۴»، «۵۱» و «۷۸» این قانون صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود توسط ستاد کل نیروهای مسلح ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب فرماندهی کل قوا ابلاغ می‌گردد.

اول^{۷۹} ماده «۱۲۴»^{۸۰} قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ درخصوص کارکنان نیروی انتظامی تخصیص خورده است. در این مورد، حتی به نظر می‌رسد که چنانچه عملی تحت عنوان تخلف انضباطی ابتدائاً رسیدگی شود مراجع قضایی حق صدور رای بر محکومیت را نخواهند داشت. برداشت دیگر از قسمت اخیر تبصره فوق می‌تواند این گونه باشد که مراجع انتظامی درخصوص تخلف، حق اعمال تنبیه انضباطی مادامی که عمل از طرف مراجع قضایی مورد رسیدگی قرار نگرفته است را ندارند و چنانچه عمل را مراجع قضایی تخلف دانستند و نه جرم، نوبت به اعمال تنبیه توسط مراجع انتظامی می‌رسد (مالمیر، ۱۳۸۳، ۲۴۶). رویه قضایی در اجرای ماده «۱۲۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ با توجه به قسمت اخیر آن و ابهامات «مقاصد غیرقانونی» با مشکل تشتت آراء مواجه شد، لذا از اداره حقوقی قوه قضائیه سوالی با این وصف مطرح گردید: «در ماده «۱۲۶» قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ سوءاستفاده از موقعیت شغلی را برای نیروهای مسلح با شرایط مندرج در آن جرم تلقی و حداکثر تا دو سال حبس برای آن مقرر داشته است اما جرم بودن عمل را منوط به «برای مقاصد غیرقانونی استفاده نماید» کرده است و این قید از نظر مفهوم و مصداق دارای ابهام می‌باشد که تصمیم‌گیری را برای مرجع قضایی واقعا دشوار می‌نماید. لذا مورد سؤال این است که منظور از جمله «برای مقاصد غیرقانونی استفاده نماید» چیست؟ آیا منظور فقط موارد فعل یا ترک فعلی است که در قوانین جزایی برای آن مجازات تعیین شده و هدف مرتکب نقض آن می‌باشد ولو موفق به ارتکاب آن نباشد یا این که شامل کلیه مقررات، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها اعم از آنکه جزایی باشد یا نباشد

۷۹- تبصره ۱: در مواردی که تخلف انضباطی کارکنان دارای عنوان مجرمانه نیز باشد، ابتداء به عنوان جرم توسط مرجع قضائی رسیدگی و در صورت محکومیت، رسیدگی به عنوان تخلف انضباطی منتفی خواهد شد در غیر این صورت، صدور قرار منع تعقیب یا رای برائت از سوی مرجع قضائی، مانع از رسیدگی به موضوع تحت عنوان انضباطی نخواهد بود. به هر حال رسیدگی به یک تخلف تحت دو عنوان جرم و تخلف انضباطی به طور همزمان ممنوع است.

۸۰- ماده ۲۴: نیروی انتظامی می‌تواند در صورت نیاز از کارکنان وظیفه در حین خدمت دوره ضرورت و احتیاط و همچنین از کارکنان پیمانی در طول مدت قرارداد با دارا بودن شرایط لازم به عنوان پایور استخدام نماید. این قبیل داوطلبان در شرایط مساوی نسبت به سایر داوطلبان از اولویت برخوردارند. آموزش و ترفیعات آنان نیز تابع مقررات مندرج در این قانون خواهد بود.

می‌شود؟ و آن اداره نیز در پاسخ^{۸۱} آورده است: «منظور از عبارت «مقاصد غیرقانونی» در ماده «۱۲۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ آن است که نظامی از لباس نظامی، کارت شناسایی سازمانی، موقعیت نظامی و عنوان حرفه‌ای خود سوءاستفاده نماید و اموری که خارج از وظیفه و ماموریت اوست انجام دهد و به طور مثال مامور انتظامی به لحاظ قرابتی که با شاکی دارد و بدون این که ماموریتی به او محول شده باشد به در خانه مشتکی عنه مراجعه و وانمود کند که برگ جلب وی را در اختیار دارد و وی را دستگیر و به کلانتری اعزام نماید. آنچه طبق این ماده مهم است، سوءاستفاده از لباس و موقعیت شغلی و کارت شناسایی سازمانی خود، جهت مقاصد غیرقانونی است؛ اعم از این که اقدامات او مطابق قوانین جزایی جرم باشد یا نباشد و مقررات انتهایی ماده مرقوم مؤید این امر می‌باشد.»

یکی از معایب اجرایی عملیات پلیسی سوءاستفاده از قدرت است. سوءاستفاده از قدرت تنها برای مقاصد غیرقانونی متصور نیست، بلکه حتی اگر نیروی پلیس با ایجاد واهمه و ارعاب در شهروندان به دنبال ایجاد امنیت باشد که مقصدی قانونی است، نقض حقوق شهروندی صورت گرفته است. همچنین در موارد بسیاری مثل «تبعیض نژادی»^{۸۲} و «تبعیض جنسیتی»^{۸۳} که از جنبه‌های مدرن سوءاستفاده از قدرت شناخته می‌شوند، در

۸۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۶۶۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۵

۸۲- نژادپرستی (Racism) یا تبعیض نژادی (Racial discrimination) نوعی پیش‌داوری و تبعیض، که متمرکز بر تفاوت‌های نژادی حاصل از تفاوت‌های ظاهری جسمی/فیزیکی و نیز تفاوت‌های فرهنگی حاصل از زبان، آداب و رسوم، دین، تاریخ و امثال آن‌ها است. ساده‌ترین مثال برای نژادپرستی، برتر دانستن انسان‌های سفیدپوست (اروپایی) بر رنگین‌پوستان است. در زبان فارسی به این مبحث نژادستیزی یا نژادگرایی نیز گفته می‌شود. در تاریخ، نژادپرستی، نیروی محرکه‌ای برای تجارت برده و روش حکومتی آپارتاید در قرن نوزدهم، در ایالات متحده آمریکا و در قرن بیستم در آفریقای جنوبی بود.

۸۳- سکسیسم (Sexism) یا جنس‌گرایی، یا گاهی تبعیض جنسیتی، جنسیت‌نگری، جنسیت‌زدگی به معنی هرگونه پیش‌داوری یا تبعیض براساس جنسیت یا جنس فرد است. پیامد این امر، تبعیض منفی نسبت به انسان‌ها و بر پایه هويت واقعی یا فرضی جنسیتی ایشان است. این مفهوم همچنین می‌تواند در اشاره به نفرت یا بدگمانی نسبت به یک جنس (زن‌ستیزی یا مردستیزی) یا کلیشه‌ای کردن مردانگی در رابطه با مردان و زنانگی در رابطه با زنان باشد. تبعیض جنسی به‌طور تاریخی و فرهنگی بیشتر در جهت فرو دست کردن زنان و دختران به کار رفته است. پیامد تبعیض جنسیتی می‌تواند به گونه‌های آزار جنسی، تجاوز جنسی یا انواع خشونت جنسی خود را در جامعه نشان دهد.

قوانین کیفری ایران خلاء قانونی جدی وجود دارد؛ که این امر موجب خواهد شد که در عملیات پلیسی حقوق شهروندی افراد با مخاطرات جدی مواجه باشد. در اینجا پلیس نیازمند این نیست که مقاصد غیرقانونی داشته باشد بلکه همین که نگرشی نژادپرستانه داشته و به دلیل قدرت و اختیاری که دارد کسی را یارای مواجهه با وی نباشد، می‌تواند حقوق شهروندان را مورد تعرض قرار دهد (پناهی و همایی، ۱۳۹۶، ۹).

سوءرفتار پلیس^{۸۴} به اقدامات نامناسب مأموران پلیس در ارتباط با وظایف رسمی آنها اطلاق می‌شود. سوءرفتار پلیس گاهی شامل تبعیض است و می‌تواند موجب سقوط عدالت شود. در تلاش برای کنترل سوءرفتار پلیس، یک روند شتابدار از طرف سازمان‌های غیرنظامی برای کنترل غیرنظامی و ورود مستقیم به تحقیقات و بررسی خارج از پلیس وجود دارد، برای این که تصمیم‌گیری‌های انضباطی ورودی‌های بیشتری داشته باشند. با گسترش دستگاه‌های تلفن همراه که قادر به ضبط اتهامات پلیس می‌باشند، قوانین استراق سمع موجود در برخی از حوزه‌های قضایی در حال تحت تعقیب قرار دادن شدید افراد غیرنظامی هستند، در حالی که در شرایط دیگر پلیس شواهد را به طور غیرقانونی تصرف یا حذف خواهد نمود. انواع این سوءرفتارها عبارتند از، اعتراف‌های نادرست، بازداشت‌های نادرست، شواهد جعلی، حبس نادرست، تهدید و ارباب، خشونت پلیس، فساد پلیس، سوءاستفاده از نظارت و خارج از خدمت (Prenzler, 2004, 85). وحشی‌گری پلیس در ایالات متحده آمریکا، شامل استفاده از نیروی بیش از حد یا غیرضروری توسط پرسنل، هنگام برخورد با مظنونین و غیرنظامیان است. این اصطلاح همچنین در مورد سوءاستفاده توسط پرسنل تصحیح شده در مراکز مجازات‌های شهری، ایالتی و فدرال از جمله زندان‌های نظامی اطلاق می‌شود. از سال ۲۰۰۲ میلادی، شدت و طول مدت چنین تأثیراتی به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است (Weitzer, 2002, 397). پلیس ایالات متحده آمریکا برخلاف عرف متعارف که می‌باید رکن اساسی حقوق شهروندی را تأمین کند، حقوق مردم ایالات متحده آمریکا به‌ویژه «سیاه‌پوستان»^{۸۵} را

84- Police misconduct

۸۵- آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار یا سیاهان آمریکا (African American) یک گروه قومی از آمریکاییان هستند که نسب شان به طور جزئی یا کامل به گروه‌های نژادی سیاه‌پوست آفریقایی می‌رسد. این لفظ نوعاً به اخلاف سیاهان به بردگی گرفته شده‌ای که اهل ایالات متحده آمریکا هستند اشاره دارد. سیاه‌پوستان آمریکایی سومین گروه قومی و نژادی بزرگ در ایالات متحده آمریکا (پس از آمریکایی‌های سفیدپوست و آمریکایی‌های هیسپنیک و لتینو) هستند. بیشتر سیاهپوستان آمریکایی اخلاف افراد به بردگی گرفته شده درون مرزهای

مورد تعرض قرار می‌دهد. در ایالات متحده آمریکا تعداد زیادی از شهروندان توسط پلیس کشته و یا مصدوم می‌شوند که در این بین سیاه پوستان به نسبت از سهم بیشتری برخوردارند. آنچه در این رابطه حائز اهمیت است این که در این کشور نه تنها برخورد قانونی با پلیس در راستای سوءاستفاده از قدرت و هنجارشکنی‌های اخلاقی آن صورت نگرفته، بلکه به منظور توجیه موضوعاتی از این دست، بعضاً به موازین قانونی نیز استناد می‌شود.^{۸۶} تخمین زده می‌شود که هر ساله نزدیک به هزار و دویست نفر در ایالات متحده آمریکا توسط مأموران پلیس کشته می‌شوند اما حدوداً در نودونه درصد از این موارد، مأموران به هیچ جرمی متهم نمی‌شوند. اکثر مأمورانی که هنگام انجام مأموریت کسی را به قتل می‌رسانند به ارتکاب جرم متهم نمی‌شوند و بنابراین محکومیت کیفری نیز پیدا نمی‌کنند. به این دلیل که در این شرایط، آن‌ها تحت حمایت قوانین جاری در ایالات متحده آمریکا قرار دارند. مجریان طرح موسوم به «نقشه‌برداری خشونت پلیس»^{۸۷} توانستند هفت هزار و ششصد و شصت و شش مورد کشته شدن افراد توسط مأموران پلیس را بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ میلادی ثبت کنند. به گفته فعالان حقوق مدنی، این رقم شامل نودودو درصد کل مرگ افراد به دست پلیس است. از میان تمامی این‌ها، تنها در نودونه مورد مأموران مرتبط با قتل، رسماً تحت پیگرد قرار گرفتند که حدود ۱,۳ درصد از کل آمار است و از این تعداد هم فقط پیگرد بیست و پنج مأمور، به محکومیت قضایی آن‌ها منجر شد. در ایالات متحده آمریکا در هر سه ثانیه یک نفر بازداشت می‌شود و به تخمین اداره پلیس فدرال ایالات متحده آمریکا (اف‌بی‌آی)، تعداد بازداشت‌ها در سال ۲۰۱۸ میلادی به ده میلیون و سیصد هزار مورد رسید. نسبت تعداد کشته شدگان

آمریکای کنونی هستند. به‌طور میانگین، سیاه‌پوستان آمریکایی دارای تبار آفریقایی غربی/مرکزی و اروپایی‌اند و برخی تبار سرخ‌پوستی نیز دارند. بنا بر داده‌های اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا، مهاجران آفریقایی عموماً خود را در زمره سیاه‌پوستان آمریکایی نمی‌شناسند. اکثریت قاطع مهاجران آفریقایی در عوض خود را با قومیت‌های خود می‌شناسند. مهاجران از برخی کشورهای کارائیب، آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی و اختلاف شان ممکن است از این لفظ برای خود استفاده بکنند یا نکنند. متمم چهاردهم قانون اساسی ایالات متحده مصوب سال ۱۸۶۸ میلادی، برای نخستین بار رسماً سیاه‌پوستان ایالات متحده آمریکا را به‌عنوان «شهروندان ایالات متحده آمریکا» شناخت.

۸۶- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره خبر ۱۱۴۷۳۴۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

سفیدپوست توسط پلیس نسبت به سیاه‌پوستان در ایالات متحده آمریکا یک به سیزده است. آنچه مداوماً و به رغم اعتراضات مردم و اخراج افسران پلیس مجرم، طی این سال‌ها اتفاق افتاده است کشته شدن سیاهپوستان به دست پلیس بوده است. اگرچه افسران پلیس مجرم پس از وقوع این قبیل حوادث، به دادگاه کشیده شده اما در اکثر موارد تبرئه می‌شوند. ایجاد «برابری نژادی»^{۸۸} و اجرای عدالت یکسان، همواره در ایالات متحده آمریکا مورد بحث است و این وضعیت برای کشوری مثل ایالات متحده آمریکا با سابقه طولانی حکومت قانون، توجیه‌پذیر نیست. از عوامل سبب‌ساز این حوادث می‌توان به موارد مختلفی اشاره کرد تبعیض نژادی، «فاصله طبقاتی»^{۸۹}، «نظام سرمایه‌داری»^{۹۰}، نژادپرستی سیستماتیک نیروی پلیس و خود

۸۸- برابری نژادی (Racial equality) زمانی روی می‌دهد که نهاد اجتماعی برابری فرصت را به تمام نژادهای مردمی ارائه دهد. به بیان دیگر زمانی که سازمان‌ها رنگ پوست افراد و نژادشان را نادیده بگیرند و به همه افراد موقعیت‌های قانونی، اخلاقی و سیاسی برابری ببخشند. در جهان غرب امروز یکپارچگی نژادی و تنوع (سیاست) بیشتری حول محور نژاد وجود دارد. در ابتدا این هدف برای سیاه‌پوستان، مردمان آسیایی و مردمان لاتین به خصوص در مدارس دشوارتر بنظر می‌رسید. هرچند امروزه در ایالات متحده آمریکا برابری نژادی تبدیل به قانون شده است و صرفنظر از نژاد افراد با آن‌ها به صورت برابر برخورد می‌شود و موقعیت‌ها، آموزش، فرصت‌های شغلی و سیاسی بدون در نظر گرفتن نژاد افراد، در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد.

۸۹- تضاد طبقاتی (Class Conflict) عبارت است از مبارزه‌ای که با اشکال گوناگون بین طبقه استثمارگر و استثمارشونده جریان دارد و بیانگر خصلت آشتی‌ناپذیر منافع دو طبقه است. تضاد طبقاتی نیروی اساسی در تمام جوامع منقسم به طبقات متخاصم یعنی دوران‌های برده‌داری، فئودالیسم و سرمایه‌داری به شمار می‌رود. کشف طبقه و مبارزه طبقاتی قبل از پیدایش مارکسیسم صورت گرفت و مورخین، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان مترقی و حتی بورژوازی به وجود طبقات در جامعه و مبارزه طبقاتی بین آن‌ها پی برده بودند، ولی تئوری علمی مبارزه طبقاتی را کارل مارکس و فردریک انگلس تدوین نمودند و اهمیت آن را به مثابه نیروی محرکه جوامع منقسم به طبقات متخاصم ثابت کردند و نشان دادند که بالاخره این مبارزه از طریق انقلاب سوسیالیستی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به از بین بردن هر نوع طبقه و ایجاد جامعه بدون طبقات یعنی جامعه کمونیستی می‌انجامد.

۹۰- سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم (Capitalism) یا سرمایه‌محوری، یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی (سود) در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود؛ که به این قانون، آزادی مالکیت شخصی نیز گفته می‌شود؛ که معنای آن، تولید و توزیع کالاها است. مقابل سیستم اقتصادی

سیاهپوستان که نسبت جرم و جنایت در میان آن‌ها ده برابر سفیدپوستان است. مسئله دیگر وجود میلیون‌ها

سرمایه‌داری، نظام اقتصادی کمونیستی وجود دارد که در آن برخلاف کاپیتالیسم، مالکیت خصوصی بر زمین منابع و ابزار تولید وجود ندارد. از ویژگی‌های اصلی سرمایه‌داری می‌توان به انباشت سرمایه، بازارهای رقابتی، سیستم قیمت، مالکیت خصوصی و به رسمیت شناختن حقوق مالکیت، مبادله داوطلبانه و کارمزدی اشاره کرد. در اقتصاد بازار سرمایه‌داری، تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری توسط هر صاحب ثروت، دارایی یا توانایی تولید در بازارهای سرمایه و مالی تعیین می‌شود در حالی که قیمت‌ها و توزیع کالاها و خدمات عمدتاً توسط رقابت در بازارهای کالاها و خدمات تعیین می‌شود. معنای لغوی کپیتال همان سرمایه است و سرمایه شامل زمین‌ها، کارخانه‌ها و ... می‌باشد. درآمد در این قانون حداقل دو شکل دارد: سود و دستمزد. سود عبارت است از آنچه که به خاطر مالکیت ابزار تولید به کسانی که سرمایه را فراهم کرده‌اند، داده می‌شود. در این قانون زمین، نیروی انسانی و سرمایه در اختیار گروهی از افراد جامعه است که سایر افراد جامعه با استفاده مشروط از آن‌ها، به تولید مادی و تولید معنوی می‌پردازند. آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ میلادی با کتاب (ثروت ملل) مکتب کلاسیک را پایه‌گذاری نمود و وی نسبت به آینده سرمایه‌داری بسیار خوشبین بود. وی معتقد بود با آزادی اقتصادی به افراد جامعه منافع عمومی مردم در بازار تأمین می‌شود. همچنین در این قانون متداول است که اجاره را به صورت درآمد حاصل از در کنترل داشتن منابع طبیعی به حساب بیاورند که با دو مورد دیگر متفاوت است. در قانون سرمایه‌داری، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع، درآمد، قیمت‌گذاری و عرضه مواد و خدمات توسط تصمیم‌گیری‌های شخصی در یک اقتصاد بازار تعیین می‌شود. مشخصه بارز قانون سرمایه‌داری این است که تولید کالا در درجه اول از برای کسب سود اقتصادی انجام می‌گیرد و نه لزوماً رفع نیازهای انسان‌ها. البته در مواردی نیز، کسب سود با رفع نیازهای انسانی همراه است. در کلی‌ترین حالت، نظام سرمایه‌داری را می‌توان به دو دسته نظام سرمایه‌داری دولتی (همچون اتحاد جماهیر شوروی پس از ۱۹۲۷ میلادی یا چین کنونی) و نظام سرمایه‌داری غیرمتمرکز و غیردولتی همچون ایالات متحده آمریکا تقسیم نمود. اشکال مختلف سرمایه‌داری دارای درجات مختلف بازارهای آزاد، مالکیت عمومی، موانع رقابت آزاد و سیاست‌های اجتماعی تحریم شده توسط دولت است. میزان رقابت در بازارها و نقش مداخله و تنظیم و همچنین دامنه مالکیت دولت در مدل‌های مختلف سرمایه‌داری متفاوت است. میزان آزاد بودن بازارهای مختلف و قوانین تعریف مالکیت خصوصی از موضوعات سیاست و سیاست است. اکثر اقتصادهای موجود سرمایه‌داری اقتصادی مختلط هستند که عناصر بازارهای آزاد را با مداخله دولت و در برخی موارد برنامه‌ریزی اقتصادی ترکیب می‌کنند. اقتصاد بازار تحت اشکال مختلف دولت و در زمان‌ها، مکان‌ها و فرهنگ‌های مختلف وجود داشته است.

قبضه اسلحه^{۹۱} در دست مردم است که آزادانه آن را گاه حتی در تظاهرات و مجامع عمومی حمل می‌کنند. با توجه به حضور باندهای فروش مواد مخدر یا «گنگ»ها^{۹۲} و کاربرد اسلحه از طرف آن‌ها و نیز با توجه به حضور زیاد افراد اقلیت در این گنگ‌ها، پلیس همیشه در برخورد با سیاه‌پوستان و لاتین‌تبارها دست به اسلحه است. تعداد افراد سیاهپوست که پلیس اتومبیل آن‌ها را متوقف و بازرسی می‌کند سه برابر

۹۱- قانون حمل اسلحه در ایالات متحده آمریکا توسط تعدادی از ایالات‌ها و فدرال‌ها تعریف شده است. این قوانین تولید، تبادل، مالکیت، انتقال، ضبط سابقه، حمل و نقل و تخریب سلاح گرم، مهمات و لوازم آن را تنظیم می‌کند. مالکیت سلاح در ایالات متحده آمریکا یک سنت قدیمی است، سنتی که به اندازه تاریخ این کشور قدمت دارد. در ایالات متحده آمریکا طبق آمارهای سال ۲۰۱۲ میلادی حدود دویست و هفتاد میلیون اسلحه شخصی در اختیار مردم قرار دارد که قوانین نیمی از ایالات به افراد اجازه حمل آن‌ها را در فضای عمومی می‌دهد. در سال ۲۰۱۲ میلادی هر روز به‌طور متوسط سی و دو نفر در ایالات متحده آمریکا به علت شلیک گلوله کشته شدند و بیشتر سلاح‌های به کار گرفته شده در اتفاق‌ها، به‌طور قانونی تهیه شده‌اند از جمله تیراندازی دبستان سندی هوک که مادر آدام لانزا اسلحه‌ها را به صورت قانونی خریداری کرده بود. قانون فدرال ممنوعیت سلاح‌های تهاجمی که در سال ۱۹۹۴ میلادی تصویب شده بود، ده سال بعد در سال ۲۰۰۴ میلادی منقضی شد. این قانون مالکیت سلاح‌های نیمه خودکار با ظرفیت خشاب بیشتر از ده گلوله را محدود می‌کرد.

۹۲- کریپس (Crips) یک گنگ تشکیل شده از عموماً سیاه‌پوستان ایالات متحده آمریکا است. در این گنگ در لس‌آنجلس، کالیفرنیا در ۱۹۶۹ میلادی عمدتاً توسط ریموند واشینگتن و استنلی ویلیامز تأسیس شد. این گنگ که زمانی ائتلافی بین دو گنگ خودمختار بود امروزه شبکه‌ای با ارتباطات نااستوار بین مجموعه‌هایی از افراد است که غالباً در گیر جنگ آشکار با یکدیگرند. قلمرو اصلی کریپس در ایالات متحده آمریکا است اما این گنگ به مکان‌های دیگر راه یافته که می‌توان به آسیا، خاورمیانه، اروپا، استرالیا و بریتانیا اشاره کرد. این گنگ در سال ۲۰۰۶ میلادی در لندن شروع به کار کرد ولی بلافاصله بعد از شناسایی عوامل اصلی آن‌ها در بریتانیا به طرز فجیعی توسط MI6 و SAS به هلاکت رسیدند. کریپس یکی از بزرگ‌ترین و خشن‌ترین سازمان‌های گنگ‌های خیابانی در ایالات متحده آمریکا است و بین سی تا سی و پنج هزار عضو دارد. این گنگ در قتل، دزدی و قاچاق مواد مخدر و نیز جرایم دیگر دست دارد. اعضای آن به طور سنتی لباس آبی می‌پوشند، رسمی که تا حدی به دلیل سرکوبی اعضای گنگ توسط پلیس رنگ باخته است. کریپس در نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا نیز فعالیت داشته است و با قاچاق مواد مخدر به پشت خطوط مقدم باعث اعتیاد سربازان آمریکایی واقع در افغانستان، عراق و پاکستان می‌شدند.

همتایان سفیدپوست آن‌ها است و نقش منفی‌ای که هر کدام از طرفین از یکدیگر در ذهن دارند و وفور اسلحه باعث می‌شود که این برخوردها اغلب با خشونت همراه باشند. براساس اصلی به نام «مصونیت صلاحیتی» یا «صلاحیت برخورداری از مصونیت»، اگر مأموران دولتی هنگام اجرای مأموریت «مرتکب اقدامی معقول اما شامل خطا در تفسیر موازین قطعی حقوقی» شوند تحت پیگرد کیفری قرار نمی‌گیرند، مگر این که عمداً مرتکب این اقدام شده باشند. در این موارد، قربانیان و خانواده‌های آنان تنها می‌توانند مأموران پلیس را در محاکم حقوقی تحت پیگرد قرار دهند. این اصل باعث می‌شود تا اگر مأموران دولتی واجد صلاحیت در حین انجام مأموریت حقوق فردی را نقض کنند از تعقیب کیفری مصون بمانند مگر این که «حق مسلم مصرحه» فرد مورد تعدی قرار گرفته باشد. حقوق مصرحه مسلم در مجموع عبارتند از حقوق شهروندی که در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا یا قوانین ایالتی تصریح شده باشد. فعالان مدنی در ایالات متحده آمریکا خواستار بازنگری قانون مصونیت پلیس شده‌اند. پس از کشته شدن «جورج فلوید»^{۹۳} و اعتراضات به کشته شدن وی، فشار افکار عمومی باعث شده که توجه به اصلاحات و تحولات

۹۳- جورج پری فلوید جونیور (George Perry Floyd Jr) (چهاردهم اکتبر ۱۹۷۳- بیست و پنجم مه ۲۰۲۰ میلادی) مردی آفریقایی-آمریکایی بود که در حین دستگیری توسط پلیس در مینیاپولیس پس از آن که یک افسر پلیس سفیدپوست به نام درک شووین زانویش را به مدت نه دقیقه و بیست و نه ثانیه بر روی گردن وی فشار داد کشته شد. پس از مرگ وی اعتراضات گسترده‌ای در محکومیت این اتفاق و در اعتراض به برخوردهای خشن پلیس ایالات متحده آمریکا به خصوص در برخورد با سیاه‌پوستان انجام گرفت. این اعتراض‌ها به سرعت در سراسر ایالات متحده آمریکا و جهان گسترش یافت. در آخرین روز زندگی خود در تاریخ بیست و پنجم مه سال ۲۰۲۰ میلادی، فلوید به اتهام تلاش برای خرید سیگار با یک بیست دلاری جعلی در یک فروشگاه مواد غذایی در محله Powderhorn Park در مینیاپولیس دستگیر شد. به گفته فروشنده، این اسکانس به شکل آشکار جعلی بوده و فلوید در مقابل اعتراض از بازگردانی سیگارهای خریداری شده امتناع کرده‌است و به این دلیل با پلیس تماس گرفته می‌شود. کارمند فروشگاه به پلیس می‌گوید که به نظر می‌آید فلوید «مست» است و «روی خودش کنترل ندارد». از زاویه یکی از دوربین‌ها مشخص است که فلوید برای ورود به خودروی پلیس مقاومت می‌کند و درگیری ایجاد می‌شود. نهایتاً با فشار چند نیروی پلیس به زمین می‌افتد و پس از چند دقیقه کشته می‌شود. پزشکی قانونی ایالات متحده آمریکا علت مرگ او را ایست قلبی-تنفسی ناشی از فشار روی گردن اعلام کرده‌است. در عین حال آزمایش مثبت کرونا و وجود مواد مخدر در بدن او تأیید شده‌است. این حادثه

بیشتر در مجموعه پلیس و قوانین آغاز شود. کارشناسان و رسانه‌ها پیشنهاد کرده‌اند که دیوان عالی ایالات متحده آمریکا می‌تواند اصل «مصونیت صلاحیتی» را مورد بازنگری قرار دهد و فعالان مدنی نیز از کنگره خواسته‌اند تا طرح «الزام پلیس به مراعات محض همگان» را تصویب کند. در صورت تبدیل این طرح به قانون، مأموران فدرال هنگام اجرای قانون از استفاده از اقدامات بالقوه مرگبار منع می‌شوند مگر به عنوان چاره نهایی و تنها در مواردی که روش دیگری امکان‌پذیر نباشد. ساخت سیاسی نیروی پلیس نیز در این میان از لحاظ مصون بودن به انتقادات مردم و تداوم روش‌های گذشته با وجود غلط بودن آن مؤثر است. در ایالات متحده آمریکا اتحادیه‌های مختلف کارگری و کارمندی از قدرت بالایی برخوردارند. بنا بر یک روال قدیمی، معمولاً اتحادیه‌های کارگری، آموزگاران، هنرمندان، نویسندگان و امثال آن‌ها متمایل به احزاب و جریانات لیبرال هستند حال آن که اتحادیه کامیون داران، پلیس، پزشکان و امثال آن‌ها به جریانات محافظه کار نزدیک‌ترند. این وضعیت خاص باعث می‌شود که اتحادیه پلیس از وزن سیاسی بالایی برخوردار باشد و به همان مقیاس، از فشار افکار اجتماعی و نظارت افراد مصون باشد. در ماده‌های «۵۵»^{۹۴} و «۱۳۳»^{۹۵} قانون دادرسی نظامی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۵۰ (اصلاحی ۲۰۰۷) در رابطه با جرائم علیه شهروندان مورد توجه قرار گرفته است. طبق ماده «۵۵» قانون مذکور مجازات شلاق یا علامت‌گذاری یا خالکوبی بر روی بدن یا هر مجازات ظالمانه یا غیرعادی دیگری را نمی‌توان توسط دادگاه نظامی مورد حکم قرار داد و یا بر اشخاص مشمول نظامی تحمیل کرد و طبق ماده «۱۳۳» قانون فوق هر شخص نظامی که مرتکب رفتار غیرشایسته شود، طبق دستور دادگاه نظامی مجازات خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منجر به اخراج و دستگیر شدن سه نفر از نیروهای نظامی حاضر در محل شد. درک شوین نیز دستگیر و براساس حکم قتل درجه دو (شبه عمد)، تفهیم اتهام شد.

94- ARTICLE 55. Cruel and Unusual Punishments Prohibited. Punishment by flogging, or by branding, marking, or tattooing on the body, or any other cruel or unusual punishment, may not be adjudged by a court-martial or inflicted upon any person subject to this chapter. The use of irons, single or double, except for the purpose of safe custody, is prohibited.

95- ARTICLE 133. Conduct Unbecoming an Officer and a Gentleman. Any commissioned officer, cadet, or midshipman who is convicted of conduct unbecoming an officer and a gentleman shall be punished as a court-martial may direct.

۲- جهات اشتراک و افتراق جرائم علیه شهروندان در سیاست کیفری ایران و ایالات متحده امریکا

قانون‌گذار در هر دو نظام کیفری ایران و ایالات متحده امریکا، به موضوع جرائم علیه شهروندان توسط اشخاص نظامی اشاره نموده است. لذا از جهات اشتراک در جرائم علیه شهروندان توسط اشخاص نظامی، به اعمال مجازات آن توسط محاکم نظامی و فرماندهان نظامی می‌توان اشاره نمود. اما از جهت افتراق ارتکاب و انواع جرائم علیه شهروندان توسط اشخاص نظامی مخصوصاً نیروی انتظامی در ایران و پلیس فدرال ایالات متحده امریکا (اف‌بی‌آی) کاملاً با یکدیگر متفاوت می‌باشند. گستردگی فعالیت‌های سیستم پلیس در نیروی انتظامی ایران و پلیس فدرال ایالات متحده امریکا (اف‌بی‌آی) که دارای چندین جنبه فعالیت مانند فعالیت پلیسی، فعالیت امنیتی و... هستند، همچنین تعداد زیاد پرسنل پاپور و پرسنل وظیفه در سیستم پلیسی ایران زمینه اقدامات و جرائم علیه شهروندان را میسر می‌کند. یکی دیگر از علل جرائم علیه شهروندان توسط اشخاص نظامی در ایالات متحده امریکا مسئله برخورد پلیس با اشخاص سیاه پوست می‌باشد که چنین مورد مشابهی در ایران به علت عدم حضور اشخاص سیاه پوست اتفاق نیافتاده است. نه تنها پلیس در هر دو کشور ایران (شورش نان در تهران^{۹۶}، قیام سی ام تیر ماه ۱۳۳۱ تهران^{۹۷}، تظاهرات

۹۶- شورش نان اشاره به خیزش و اعتراض مردم تهران نسبت به فحطی مرگباری است که هفدهم آذر سال ۱۳۲۱ نقطه اوج آن بود. گروهی از مردم به مجلس شورای ملی ریختند و تنی چند از نمایندگان را به باد کتک گرفتند. گروهی دیگر به خانه نخست‌وزیر وقت قوام السلطنه حمله بردند و آنجا را غارت و تخریب کردند. قوام السلطنه روزنامه‌های پایتخت را بست و قرار شد سپهبد احمد امیراحمدی شورش مردم را به قول خودش «غانله» را خاموش کند. به دستور امیراحمدی و سرتیب اعتماد مقدم رئیس شهربانی، مأموران نظامی به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند و خیزش مردم را با شدت تمام سرکوب کردند که شمار زیادی کشته و زخمی به جای گذاشت.

۹۷- قیام سی ام تیر ماه ۱۳۳۱، قیامی بود که پس از استعفای محمد مصدق از نخست‌وزیری و در زمان نخست‌وزیری احمد قوام و با حکم جهادی سیدابوالقاسم کاشانی در سراسر ایران رخ داد. شهربانی شمار کشته‌شدگان درگیری‌ها در تهران را بیست و یک تن اعلام کرد در حالی که در اسنادی دیگر شمار کشته‌ها تا شصت و سه تن هم اعلام شده است با این همه، از کشته‌شدگان آمار دقیقی در دست نیست.

پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲ تهران^{۹۸}، اعتراضات اسفند ماه ۱۳۴۸ تهران^{۹۹}، قیام نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ قم^{۱۰۰}، اعتراضات مهر ماه ۱۳۹۱ بازار تهران^{۱۰۱}، شکنجه مسئولان شهرداری تهران^{۱۰۲}، شکنجه و کشتار متهمان در

۹۸- تظاهرات پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲، مجموعه وقایعی است که در خرداد ماه ۱۳۴۲ در پی بازداشت سیدروح‌الله خمینی، در انتقاد به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید رخ داد. این تظاهرات در شهرهای تهران، قم و ورامین علیه دولت اسدالله علم در زمان حکومت محمدرضا شاه پهلوی برگزار شد و به زد و خورد بین مأموران شهربانی و تظاهرکنندگان انجامید.

۹۹- در سوم اسفند ماه ۱۳۴۸ شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران در خط مسیر اتوبوس‌ها تغییراتی انجام داد و در نتیجه این تغییرات عملاً نرخ اتوبوس‌ها افزایش پیدا کرد. در بعضی از خطوط این افزایش تا سه برابر هم رسید. پس از این افزایش قیمت از بامداد چهارم اسفند ماه ۱۳۴۸ دانشجویان تهران در مقابل دانشگاه، اتوبوس‌های شرکت واحد را سنگباران کردند و مانع آمد و شد آن‌ها در خیابان‌ها شدند. زد و خورد میان پلیس و دانشجویان در مقابل دانشگاه آغاز شد. به وسیله دانشجویان چندین اتوبوس به آتش کشیده شد. پلیس با درگیر شدن با دانشجویان عده‌ای را کشته و برخی دیگر را زخمی کرد. تعداد زیادی از دانشجویان در این شورش بازداشت شدند. پیرو این اعتراضات مردم نیز در بازار و مراکز شهر به اتوبوس‌ها حمله کردند و خواهان لغو افزایش قیمت شدند. محمدرضا پهلوی، عباس هویدا را مأمور رسیدگی به مشکل ایجاد شده کرد. پس از تشکیل جلسه ویژه هیئت دولت قیمت‌ها به حالت قبل بازگشت.

۱۰۰- تظاهرات نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ قم، شامل چند روز تظاهرات اعتراضی نسبت به چاپ مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه در روزنامه اطلاعات است که نقطه اوج آن در روز نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ بود. براساس گزارش ساواک، شمار تظاهرکنندگان حدود ده هزار نفر بوده است. روزنامه اطلاعات در بیستم دی، تعداد کشته‌شدگان را شش تن و شمار زخمی‌ها را نه تن گزارش کرده است.

۱۰۱- اعتراضات بازار در مهر ماه ۱۳۹۱ اعتراضاتی بود که در دوازدهم مهر ماه ۱۳۹۱ در بازار تهران و مناطق اطراف آن صورت گرفت. در پی اوج گرفتن بحران ارز، نخستین اعتراض‌ها در پایتخت ایران دیده شد. بحران ارز اقتصاد ایران را متأثر ساخته و مبادلات تجاری را فلج کرد. التهابات شدید ارزی باعث شد تا قیمت دلار از دو هزار و دویست تومان تا نزدیک به چهار هزار تومان نوسان کند. در یازدهم مهر ماه ۱۳۹۱ ظاهراً با تزریق ارز به بازار توسط بانک مرکزی، ابتدا قیمت ارز از چهار هزار تومان به سه هزار و دویست تومان سقوط کرد، اما با سخنان محمود احمدی‌نژاد در کنفرانس خبری، بار دیگر به سه هزار و ششصد تومان افزایش یافت. بخش‌های بزرگی از بازار تهران در دوازدهم مهر ماه ۱۳۹۱ تعطیل بود و در خیابان‌های اطراف آن و بعضی خیابان‌های

بازداشتگاه کهریزک^{۱۳}، مرگ سیدستار بهشتی^{۱۴}، اعتراضات گلستان هفتم^{۱۵}، درگیری پلیس با دختر

مرکزی شهر جمععاتی در اعتراض به بی‌ثباتی اقتصادی و سقوط ارزش پول ملی برگزار شد که برخورد نیروهای پلیس را به دنبال داشت. به گزارش خبرگزاری‌های ایران، پلیس تعدادی از معترضان را بازداشت کرد. ۱۰۲- در سال ۱۳۷۶ و در مقدمات محاکمه غلامحسین کرباسچی، دستگیری گسترده شهرداران تهران و نهایتاً خود غلامحسین کرباسچی انجام شد. دستگیری و بازجویی از این افراد توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی به فرماندهی محمدرضا نقدی انجام می‌گرفت و همچنین او دستور کارگزاری شوند در دفتر وزیران، معاونان و برخی دیگر مقام‌ها را صادر می‌نمود. چندی بعد نقدی در دادگاه نظامی به اتهام شکنجه متهمان این پرونده به هشت ماه حبس قطعی محکوم شد.

۱۰۳- بازداشتگاه کهریزک نام بازداشتگاهی در شهر سنگ واقع در استان تهران است که در دوران فرماندهی محمدباقر قالیباف بر نیروی انتظامی تأسیس و طی چندین سال در عملیات‌های مختلف از جمله تخریب محله خاک سفید مورد استفاده قرار گرفت. این بازداشتگاه تا میانه تابستان ۱۳۸۸ ناشناخته بود اما در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری شهرت جهانی پیدا کرد. زندانیان در بدو ورود به کهریزک، برهنه فقط با یک زیرشلواری مجبور بودند روی سنگ، خار، خاشاک و آسفالت سینه خیز بروند و همزمان مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند یا تا حد ضعف «بشین باشو» و «کلاغ پر» می‌رفتند. تعدادی از بازداشت‌شدگان به دلیل شدت جراحات وارده و شرایط نامناسب نگهداری شان در بازداشتگاه، کشته شدند. بازداشت‌شدگان که از زمان بازداشت تا روز تولد حضرت فاطمه (س) حق استفاده از حمام را نداشتند، در این مدت به بیماری‌هایی نظیر شپش مبتلا شدند. سوله کهریزک در این زمان فاقد آب، تهویه، وسایل گرم‌کننده و خنک‌کننده، هرگونه کف پوش، موکت و تخت خواب، نور کافی، سرویس بهداشتی قابل استفاده و حمام بوده است. کمپ کهریزک تا سه ماه آب لوله‌کشی نداشت و زندانیان تا سه ماه حق نداشتند برای دستشویی از آب استفاده کنند. تا یک ماه اول آب را از گالن‌های گازوئیل می‌خوردند که موجب تهوع و استفراغ می‌شد. در دو ماه اول، هر زندانی می‌توانست فقط در ساعت‌های ده صبح و ده شب سه دقیقه از دستشویی استفاده کند و به شرط کتک خوردن و سینه خیز رفتن، از آب استفاده کند. البته در بیست روز اول در را باز نمی‌کردند و بازداشتی‌ها مجبور بودند همان‌جا که زندگی می‌کنند جلوی هم ادرار و مدفوع کنند، بعد از بیست روز که در را باز کردند کف سوله را با آب فشار قوی شستند. غذا دو وعده در ساعت شانزده و سی دقیقه و بیست و یک و سی دقیقه میان زندانیان پرتاب می‌شد که شامل یک چهارم نان لواش و یک سیب زمینی بسیار کوچک (تقریباً پنجاه گرمی برای هر نفر) بود. گاهی افرادی که ضعیفتر بودند و تاکنون این مکان‌ها را ندیده بودند را وادار می‌کردند برای دریافت غذا

چهار دست و پا مثل سگ واق واق کنند و سیب زمینی را با دندان از روی زمین بردارند. در اثر سوء تغذیه به زودی زندانیان چنان وضعی پیدا کردند که با هر ضرب و شتم کوچکی بیهوش می شدند و بیشترشان یک سوم تا نصف وزن خود را از دست دادند. در کهریزک کمتر از نیم متر جا برای هر کسی بود و زندانیان گاهی مجبور بودند نوبتی بخوابند. ضرب و شتم زندانیان با باتوم، کابل، سیم های برق بافته شده و شوک الکتریکی انجام می شد. دست و پای آن ها را به صورت کمائی و قیائی می بستند و کتک می زدند. گاهی هم با دست و پای بسته آن ها را تاب داده و پرت می کردند. گاهی هم دست ها و پاهای زندانیان را به همدیگر می بستند. گاهی کف پای زندانیان را می زدند و سپس مجبورشان می کردند روی پاهای ملتهب خود راه بروند. گاهی برای تحقیر و وحشت، عورت آن ها را جلوی دیگر زندانیان نشان داده و با باتوم و شیشه به آن ها تجاوز می کردند و در صورتی که زندانی می پذیرفت تا فحش های بسیار رکیکی به خود دهد، شکنجه متوقف می شد. گاهی زندانیان به تخت سربازان بسته می شدند و دیگران باید روی آن ها ادرار می کردند. بسیاری از زندانیان دچار مشکلات روحی روانی شدند و سه نفر تا ۱۳۸۶/۰۶/۳۰ کشته شدند. کسانی که دست و پای شان می شکست به بیمارستان برده نمی شدند زیرا از بیمارستان سجاد فقط برای موارد منجر به مرگ استفاده می شد و شکستگی دست و پا مورد اورژانسی محسوب نمی شد که بسیاری از این شکستگی ها به طور کج جوش خورده است. از سه قلابه سوسمار نیز برای آزار بازداشتی ها استفاده می شد. بسیاری از بازداشت شدگان مربوط به اعتراضات گسترده به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم به این مکان برده شده اند. پس از خیر کشته شدن محسن روح الامینی در بازداشتگاه کهریزک و تصمیم مجلس شورای اسلامی مبنی بر بازدید از زندان ها، بازداشتگاه کهریزک در تاریخ ششم مرداد ۱۳۸۸ به دستور مقام معظم رهبری، تعطیل شد. بازدید نمایندگان مجلس شورای اسلامی از بازداشتگاه کهریزک نیز به دلیل تعطیل شدن آن صورت نگرفت.

۱۰۴- سیدستار بهشتی (اول شهریور ۱۳۵۶- سیزدهم آبان ۱۳۹۱) کارگر و وبلاگ نویس ایرانی بود که در نهم آبان ۱۳۹۱ توسط پلیس فتا دستگیر شد. او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه اجتماعی و فیس بوک» بازداشت و به مکانی نامشخص منتقل شده بود. در مدت بازجویی به شدت از سوی پلیس فتا شکنجه شد و به دلیل خونریزی ریه، کبد، کلیه و مخچه، کشته شد و در آرامستان رباط کریم (محل زندگی اش) به خاک سپرده شد.

۱۰۵- اعتراضات گلستان هفتم، به مجموعه اعتراض های بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۶ در تهران گفته می شود که به درگیری شدید میان نیروهای امنیتی و درویش های معترضان انجامید. این درگیری ها که میان فرماندهی انتظامی، قرارگاه ثارالله سپاه و بسیج با شماری از درویشان گنابادی و حامیان آن ها رخ داد به کشته شدن شش تن، اعدام یک درویش و بازداشت صدها درویش مجروح منجر شد. به دنبال سرکوب این اعتراضات، پانصد تن بازداشت و معترضان به زندان های قرچک و فشافویه منتقل شدند. طی دو سال بخش عمده بازداشت شدگان از جمله زنان درویش با گذراندن

تهرانی در پارک تهرانپارس^{۱۰۶}، اعتراضات کشاورزان استان اصفهان^{۱۰۷}، اعتراضات اردیبهشت ماه ۱۴۰۱

محکومیت و پنجاه نفر پس از دو سال با بخشنامه ۱۳۹۸ قوه قضائیه آزاد شدند. بهنام محجوبی، یکی از معترضان بهمن ۱۳۹۹ بر اثر مسمومیت دارویی در زندان درگذشت. پس از گذشت پنج سال و یک‌ماه با آزادی کسری نوری، شناخته شده‌ترین چهره درویشان گنابادی، پرونده معترضان بازداشتی این اعتراضات بسته شد.

۱۰۶- در پی انتشار فیلمی از درگیری بین چند مامور پلیس و یک دختر جوان در یکی از پارک‌های تهران و طرح انتقاداتی به نحوه برخورد صورت گرفته، پلیس پایتخت توضیحاتی را منتشر کرد. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ اعلام کرد: عصر روز شنبه یکم تیر ماه در پی تماس تلفنی تعدادی از شهروندان مبنی بر حضور چند دختر و پسر در پارک پلیس منطقه تهرانپارس و انجام حرکات نامتعارف و به دور از شئون اخلاقی از سوی آنان، واحد گشت کلاتری برای بررسی موضوع به محل اعزام شد. این مرکز ادامه داده است: در بررسی اولیه مشخص شد پنج دختر و پسر که فاقد حرکات طبیعی و نرمال و همچنین پوشش مناسب بودند، با انجام شوخی‌های سخیف، نامتعارف و به دور از شئون اخلاقی و عرف جامعه با یکدیگر، موجبات نارضایتی و اعتراض دیگر افراد حاضر در پارک را فراهم کرده‌اند. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ افزود: مأموران پس از حضور در محل، آنان را به رعایت عفت و هنجارهای اجتماعی دعوت کردند که در مقابل این رفتار مأمور پلیس، یکی از این افراد ضمن ایجاد جوسازی شروع به فحاشی نسبت به مأموران کرده که در نتیجه این ماجرا سه پسر و دو دختر دستگیر و به کلاتری انتقال داده شدند. این مرکز اضافه کرد: در بررسی‌های اولیه مشخص می‌شود این افراد به دلیل مصرف مواد مخدر توهم‌زا فاقد حالت طبیعی بوده‌اند؛ لذا در این خصوص اقدامات قانونی صورت گرفت. سردار رحیمی رییس پلیس پایتخت از دستگیری و عزل دو مأمور متخلف در ماجرای درگیری با دختری در پارک پلیس تهرانپارس خبر داد. رحیمی گفت: جانشین کلاتری و یکی از مأموران کلاتری در این ماجرا بازداشت و از سمت خود عزل شده‌اند. رحیمی درباره این که چرا از مأمور زن در این ماجرا استفاده نشد، خاطرنشان کرد: گزارش ما از ۱۱۰ به کلاتری واصل شده و بنا نیز بر برخورد نبوده و همکاران ما برای تذکر به این منطقه رفته بودند که آن درگیری پیش آمد. رییس پلیس پایتخت درباره این که آیا رفتار پلیس مستندسازی می‌شود گفت: ما رفتار مأموران مان را مستندسازی می‌کنیم، اما در این مورد دوربین نداشتیم. بعد از انتشار فیلمی از برخورد پلیس با یک دختر جوان در یکی از پارک‌های تهران امروز سی نماینده در تذکر کتبی به وزیر کشور خواستار توضیح در این باره شدند. همچنین سوالی از وزیر کشور درباره علت برخورد خشن نیروی انتظامی با دختر جوان در یکی از پارک‌های تهران به جریان افتاد (چهارم تیر ماه ۱۳۹۸).

خوزستان^{۱۰۸}، اعتراضات ۱۴۰۱ معلمان ایران^{۱۰۹}، ضرب و شتم یک نفر در جاده چالوس توسط پلیس^{۱۱۰}،

۱۰۷- اعتراضات کشاورزان استان اصفهان، به سلسله اعتراض‌هایی که کشاورزان استان اصفهان، مخصوصاً کشاورزان شرق استان (شهرستان ورزنه) به حقابه و شیوه توزیع منابع آبی در مرکز ایران، از چند سال پیش داشته‌اند گفته می‌شود. این اعتراض‌ها در زمستان ۱۳۹۶ شکل جدی‌تری به خود گرفت و به شکل‌های مختلفی هم‌چون نافرمانی مدنی و تظاهرات مسالمت‌آمیز خود را نشان داده است. حقابه داران حوضه زاینده‌رود شامل شهرستان‌های لنجان، مبارکه، فلاورجان، نجف‌آباد و اصفهان هستند. از دوشنبه هفدهم آبان ماه ۱۴۰۰ کشاورزان و مردم اصفهان تا سوم آبان در بستر خشک زاینده‌رود تجمع کرده و در اعتراض به قطع حقابه و خشک شدن زاینده‌رود شعارهایی سر می‌دادند. در ادامه این اعتراضات، بامداد روز پنجشنبه چهارم آبان ماه ۱۴۰۰، چادرهای آن‌ها توسط نیروی یگان ویژه به آتش کشیده شد.

۱۰۸- مردم شهرهای استان خوزستان از پنج‌شنبه شب پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ اعتراضاتی را به دلیل گرانی و افزایش قیمت محصولاتمانند نان، روغن، تخم‌مرغ و ماکارونی برگزار کردند که با خشونت و تیراندازی پلیس و نیروهای ضدشورش روبرو شد. همزمان با فراخوان برگزاری تجمعات، اینترنت استان خوزستان با مشکل مواجه شد و در بعضی نقاط قطع یا بسیار کند شد. در تاریخ بیست و دوم اردیبهشت ماه و همزمان با اعلام رسمی قیمت کالاهای اساسی دامنه اعتراضات گسترش پیدا کرده و به شهرکرد، لرستان، کرمانشاه و جوتقان نیز رسید. این اعتراضات در مواردی با سرکوب مأموران امنیتی مواجه شده است. در سه شهر ایذه، اندیمشک و شهرکرد نیروهای امنیتی به سوی مردم شلیک کردند. شب جمعه بیست و سوم اردیبهشت ماه در اندیمشک مردم معترض به خیابان‌ها آمدند و نیروی انتظامی و ویژه با شلیک و پرتاب گاز اشک‌آور به آن‌ها حمله کرد. دامنه این اعتراضات به استان‌های سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و شهرهای پردنجان، فارس، رشت، اردبیل، خرم‌آباد، ماسور، بروجرد، دورود، جوتقان و دهدشت کشیده شده که نیروی انتظامی و ویژه با شلیک و پرتاب گاز اشک‌آور متوسل شده است.

۱۰۹- در ادامه اعتراضات و اعتصابات سراسری معلمان ایران حول مطالبات مشخص و اعلام شده مانند آزادی معلمین دربند، امکان تحصیل رایگان، بهبود معیشت نیروهای خدماتی و... از اول اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ در بسیاری از شهرهای ایران مانند تهران، شهرهای کرج، مریان، ماهشهر، شیروان، اصفهان، سنندج، سقز، نیشابور، پلدختر، کامیاران، سقز، اسلام‌آباد غرب، رشت، شیراز، کرمانشاه، مریان، زنجان، هرسین، بوکان، کامیاران، خرم‌آباد، کوهدشت، مشهد، اهواز، دهگلان، یزد، رشت، همدان، قم، بیجار، شهرضا، تاکستان، شهرکرد، بهمئی، الیگودرز، بوشهر، یاسوج، اراک، مهریز، شوشتر، لاهیجان، دلفان، شوش، بروجرد، سیرجان، رستم، کازرون،

گرداندن چند متجاوز به ناموس با وانت در شهر مرند^{۱۱}، رفتار خشن ماموران در نازی آباد تهران^{۱۲}، جمعه

داراب، زرین دشت، فیروزآباد، سردشت، ملارد و جلفا، تجمع اعتراضی برگزار شد. این تجمعات اعتراضی عمدتاً با ایجاد فضای امنیتی و دستگیری برخی از معلمین از جانب نیروی انتظامی همراه بوده است. ۱۱۰- انتشار کلیبی از ضرب و شتم یک نفر در جاده چالوس توسط یکی از مأموران نیروی انتظامی که واکنش فرماندهی انتظامی البرز را در پی داشت. سردار عباسعلی محمدیان دستور رسیدگی سریع در این خصوص را صادر کرد (دوازدهم خرداد ماه ۱۴۰۱).

۱۱۱- ویدئویی از گرداندن چند متجاوز جنسی در سطح شهر مرند توسط ماشین گشت پلیس رسانه‌ای شد. زن قربانی تجاوز در مرند دانشجو بود و به اتفاق فرد مذکر همراهش هر دو در تفرجگاه «یوموروتپه» مورد آزار و تجاوز شدید جنسی قرار گرفته بودند. متجاوزان برابر دستور دادستان شهرستان مرند در سطح شهر گردانده شدند تا درس عبرتی باشد برای مخلان نظم و امنیت عمومی. متجاوزین با عنوان آدم ربا و اشرار سابقه دار در سطح شهر گردانده شدند و طبق آنچه در ویدئو دیده می‌شود مورد فحاشی و ضرب و شتم پلیس قرار می‌گیرند. پلیس در نهایت آن‌ها را دست بسته به دست جمعیت ناظر خشمگین می‌سپارد (هشتم تیر ماه ۱۴۰۱).

اگر یک لحظه تصور کنیم که چنین اقدامی را افرادی علیه منسوبین خودمان انجام داده‌اند، به صفت شخصی سراسر آکنده از خشم و نفرت می‌شویم و هیچ مجازاتی هم نمی‌تواند ترمیم‌کننده زخم ناشی از چنین جنایتی بر ما و بر قربانی منسوب به ما باشد و تا پایان عمر همه را درگیر خود خواهد کرد. نه فقط علیه نزدیکان ما، بلکه علیه هر فرد دیگری هم مرتکب شوند، چنین خشم و نفرتی را بر می‌انگیزد. عدالت، کلیت به هم پیوسته است. اگر کسی ظلم می‌کند و باید مجازات شود، نمی‌توان متقابلاً به او ظلم کرد. قانون فصل الخطاب است. مجازات با انتقام‌گیری کور فرق دارد. مجازات باید حس انتقام‌گیری را از طریق اجرای عدالت تضعیف و مهار کند، نه آن که با باتوم به جای حساس متهم بزند. خب اگر آنان تجاوز کرده‌اند، حکم‌شان مطابق قانون اعدام است. کسی می‌تواند حکم اعدام دهد که حقوق متهم را رعایت کند. دستور به انجام چنین کاری که متهمان را در شهر بگردانند و چنان رفتاری با آنان کنند در صلاحیت هیچ مقام قضایی نیست. اگر مقام قضایی و غیرقضایی خارج از امتیازات قانونی دستوری صادر کند، به اندازه مجرمان و حتی بیشتر از آنان مسئول است و باید پاسخگو باشند. این حد از رفتارهای غریزی و انتقام‌گیرانه از طرف مقامات مسئول، ناشی از بی‌توجهی به حدود و اختیارات و نیز اعتقاد به این رویکرد است که با مجازات‌های خشن و عمومی و فراقانونی می‌توان مانع از جرم یا تکرار آن شد. بی‌توجهی به حدود اختیارات و صلاحیت‌ها از سوی مقامات اداری و قضایی یکی از بزرگ‌ترین فسادها است. باور به این که خشونت و شدت مجازات می‌تواند مانع از وقوع جرم شود نیز یکی دیگر از بزرگ‌ترین اشتباهات رایج است. البته هر مجازاتی باید متناسب با جرم باشد، ولی شدت مجازات لزوماً عامل

بازدارندگی نیست، زیرا بسیاری از مجرمان هنگام ارتکاب برخی از جرائم، روی مجازات حساب چندانی باز نمی‌کنند. علنی کردن وجه خشن مجازات نه تنها موجب کاهش جرم نمی‌شود، بلکه آن را افزایش هم خواهد داد. زیرا ارتکاب جرم، ناشی از قطع پیوستگی‌های اجتماعی فرد است و برخلاف قدیم که مجازات‌های خشن در ملاء عام می‌توانست پیوستگی و همبستگی مردم را تقویت کند، اکنون موجب زوال و تضعیف این همبستگی‌ها می‌شود و همین ضعف به نیروهای گریز از جامعه مجال می‌دهد تا با فراغ بال بیشتری، هنجارهای قانونی را نقض کنند. از این رو باید درباره اعمال مجازات‌هایی که بدنی و زجرآور هستند، تجدیدنظر کلی کرد؛ حداقل به این علت که اثربخشی آن‌ها محل سوال است. برای اثبات و رد این ادعا می‌توان مطالعات جامعه‌شناختی انجام داد. می‌توان این فرضیه را آزمون کرد که درک انسان امروزی از مجازات بدنی و جسمی متفاوت از گذشته شده است و به همین علت ضمن حفظ رویکردمان نسبت به فلسفه مجازات، می‌توانیم جزئیات آن را شامل جرم، شدت مجازات، کیفیت مجازات و... اصلاح و به‌روز کنیم (عبدی، عباس، ۱۴۰۱، و بسایت خبر آنلاین).

شایعه‌ها می‌گویند این حجم شدت قانونی در برخورد با متجاوزین و رسوایی آنان نتیجه متنفذ بودن پدر قربانی بوده است؛ شایعه‌ای که پیگیری یک زن جوان عادی برای شکایت را بعید می‌داند؛ و گمان می‌کند برای ثبت شکایت لابد باید خانواده متنفذ، و نه حامی، داشت. حتی فرمانده انتظامی مرند دستگیری این آدم ربایان را از شگردهای پلیس می‌داند و اشاره‌ای به عاملیت زن در اقدام به شکایت نکرده است. در این دیدگاه، زندگی قربانی تجاوز آنچنان پایان یافته و چنان شرم‌آمیز تصور می‌شود که به اصطلاح کار از کار گذشته و محلی برای شکایت و لابد جبران وجود ندارد. شایعه‌ها از خودکشی زن ماجرا خبر می‌دهند، حال آن که چنین نیست و حتی اقدام به شکایت توسط خود قربانی انجام شده است. در فرهنگ تجاوز کسی که مورد تجاوز قرار گرفته بی‌آبرو می‌شود. پس یا باید پنهان کند و از شرم بمیرد، یا اگر شرم نکرد و شکایت کرد، ما او را مستحق مرگ می‌دانیم؛ بالاخره مردن از زندگی شرم آور بهتر است! فرهنگ تجاوز، بار شرم تجاوزگری را بر دوش زن می‌گذارد. در این فرهنگ، خبر تجاوز، فاجعه بار از خود تجاوز است. مورد تجاوز قرار گرفتن زن، فاجعه بارتر از وضعیت خود زن است. فاجعه تجاوز چنان بزرگ است که دنیا باید برای آن زن به پایان رسیده باشد. نیروی انتظامی متجاوزین را آدم ربا عنوان می‌کند. ظاهراً آدم ربایی بار تحریک‌کنندگی و حقوقی بیشتری از تجاوزگری دارد و اذهان پلیسی را بیشتر قانع می‌کند. متجاوزین طبق ادعای نیروی انتظامی، اشرار سابقه دار و اراذل و اوباش محل امنیت هستند. متجاوزین این بار هم طبق قصه‌های همیشگی تجاوز، چهره‌ای غیرانسانی یا شیطانی دارند و این ماجرا که تنها مردان شیطان صفت متجاوزند مصرانه بازتولید می‌شود؛ متجاوزانی خشن و سابقه دار؛ تا فراموش شود که اتفاقاً مردان خوب هم تجاوز می‌کنند؛ که اتفاقاً تجاوز امری مسبوق به سابقه زندان و شرارت اجتماعی نیست. در واقع تجاوز در فرهنگ تجاوز معیارهای سخت‌گیرانه دارد. در حوادثی چنین، ذهن پورنوگرافیزه شده توانسته تصویر تقریباً کاملی از تجاوز بسازد؛ یعنی تجاوزی که توسط مردان خشن و سابقه دار، با خشونت حداکثری و روی بره

قربانی (زن جوان غریب) انجام شده تا به عنوان تجاوز کامل، مورد قبول واقع شود. طبق خبرها این پنج مرد اهل یکی از روستاهای مرند بوده‌اند و متون خبری و حتی سخنگوی نیروی انتظامی به طرز عجیبی اصرار بر بیان روستایی بودن آنان داشتند. همه چیز برای دیگری سازی و ذاتی کردن شرمهیا است. چرخه تک‌روایت‌های نفرت و ذاتی کردن خصایص و تقسیم صفات منفی و مثبت بین روستائیان مجدداً به کار افتاده است و حتی این روزها صحبت از یوموروتیه همراه با شوخی با اهالی روستای منتسب به متجاوزین است. نیروی قهریه پلیس، که با خالی کردن شانه از مسئولیت عدم تأمین امنیت تنها تفرجگاه کوهستانی مرند، نقش پدر غیور منتقم را ایفا می‌کند، اذهان را به سمت سابقه افراد بر تجاوزگری نشانه رفته و کسی این میان نمی‌پرسد چرا چنین تفرجگاهی یک نگهبانی در مسیر ندارد! البته که پارکینگ این تفرجگاه نگهبان دارد، ولی گویا مدام باید به خاطر داشت که حفظ امنیت ماشین‌ها در فضاهای شهری بر امنیت زن مقدم است. متجاوزین محکوم و رسوا شدند؛ بی‌آن که نیروی مقتدر پلیس و قضا کوچک‌ترین تمهیدی برای تضمین امنیت زنان و محدود کردن حضور آزارگران در فضاهای شهری داشته باشد. نیروی انتظامی این افراد را به‌عنوان شرور و ارادل و اوباش معرفی می‌کند و عجیب آن که پاسخ نمی‌دهد که چطور چنین اوباشی بدون هیچ محدودیتی در سطح شهر ترددند، چطور اقتدار پلیس هرگز حس ناامنی را به این آزارگران نداده و آزادی عمل آن‌ها تا لحظه تجاوز و شکایت قربانی، با هیچ مانعی مواجه نبوده است. مردم خشمگین‌اند، بی‌آن که کسی این ساختار متجاوزپرور و کم‌کاری نیروی انتظامی را نشانه بگیرد؛ بی‌آن که صحبتی از عذرخواهی نیروی پلیس یا تلاش برای اقدام عملی برای امن‌تر کردن فضاهای عمومی در میان باشد. اخبار پراکنده‌ای وجود دارد، حاکی از این که خانواده متجاوزین مورد آزار سایرین قرار گرفته و مجبور به ترک محل زندگی شده‌اند. نیروی قهریه با تحقیر و ضرب و شتم متهمان در سطح شهر عمیقاً و دقیقاً در پی شیطانی سازی از متجاوز و آزارگر است. امری که می‌خواهد فراموش کند که بخش اعظم آزارگری اتفاقاً به دست افرادی کاملاً عادی رخ می‌دهد و هیچ نسبتی با ذات و محل تولد افراد ندارد. امری که اصرار دارد این متجاوزین انسان نیستند، پس لایق حقوقی انسانی منم هم نخواهند شد؛ چرا که اگر متجاوز هم انسان باشند، کشیدن مرز ضخیم میان آنان با خود بقیه شان دشوار خواهد بود و اذهان عموم را پریشان خواهد کرد. امری که به رغم شکست مفتضحانه و مکرر در امر پیشگیری از خشونت جنسی، با باز تولید چرخه خشونت و اعدام در ملاعام اتفاقاً از مسیر عدالت و امنیت و جبران رنج قربانی و خانواده اش خارج می‌شود و دستاوردی جز تنش روانی و بحث‌های فرسایشی و ادبیات نفرت و انتقام ندارد (آهنی، مهدیه، ۱۴۰۱، وبسایت پارادوکس).

۱۱۲- در پی انتشار کلیبی مبنی بر ضرب و شتم احدی از شهروندان پلیس طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت؛ بلافاصله دستور ویژه‌ای برای بررسی دقیق زمان و مکان وقوع و شناسایی متخلفین در صحنه صادر شده است. در ادامه این اطلاعیه آمده است: پلیس به هیچ عنوان رفتار خشن و غیرمتعارف را تأیید نمی‌کند و مطمئناً با عوامل متخلف برابر ضوابط برخورد قانونی خواهد شد (یازدهم آبان ماه ۱۴۰۱).

خونین زاهدان^{۱۱۳}، تعرض جنسی به دختر پانزده ساله توسط فرمانده نیروی انتظامی در سیستان و بلوچستان^{۱۱۴}، رفتار خشن با یک زن در مقابل مدرسه سیزدهم آبان تهران^{۱۱۵}، سیلی یک سرباز به راننده‌ای در خیابان

۱۱۳- جمعه خونین زاهدان یا جمعه سیاه زاهدان به درگیری‌های هشتم مهر ماه ۱۴۰۱ بین مردم معترض زاهدان و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در جریان خیزش ۱۴۰۱ ایران و به دنبال تجاوز فرمانده انتظامی به دختری بلوچ، گفته می‌شود. در این درگیری بر پایه آمار شورای تأمین استان سیستان و بلوچستان سی و پنج نفر کشته شدند، اما فعالان بلوچ حدود یکصد نفر از قربانیان را شناسایی کرده‌اند. در پی فراخوانی برای اعتراض به کشته شدن مهسا امینی و همچنین تجاوز به دختر پانزده ساله بلوچ توسط فرمانده انتظامی چابهار، روز جمعه هشتم مهر ماه ۱۴۰۱ تظاهراتی در زاهدان برپا شد. بعد از نماز جمعه، گروهی از نمازگزاران به سوی کلاتری شانزده زاهدان حرکت کرده و در آنجا تجمع می‌کنند و شعارهایی ضدحکومت سر می‌دهند. برخی از معترضان به سوی کلاتری سنگ پرتاب می‌کنند، اما مأموران یگان ویژه، که از قبل داخل کلاتری مستقر بودند، به سوی معترضان شلیک می‌کنند، سپس مأموران لباس شخصی، که از پیش در بالای ساختمان‌های اطراف مصلاهی زاهدان مستقر شده بودند، شروع به شلیک به سمت نمازگزاران داخل مصلی کردند و در کمتر از یک ساعت افراد زیادی را به قتل رسانده و بسیاری را مجروح کردند. انتشار این خبر باعث به‌وجود آمدن درگیری‌هایی در سطح شهر شد که در این درگیری‌ها نیز عده‌ای کشته شدند.

۱۱۴- مدتی پیش برخی منابع محلی در سیستان و بلوچستان از جمله «کمپین فعالان بلوچ» اعلام کرد که در روز دهم شهریور ماه ۱۴۰۱ یکی از فرماندهان نیروی انتظامی که خودش بلوچ است هنگامی که قصد بازجویی از یکی از مظنونان پرونده قتل را داشته، او را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده است. فردی که مدعی است مورد آزار و اذیت جنسی توسط فرمانده نیروی انتظامی قرار گرفته یک دختر پانزده ساله بلوچ است. «مولوی عبدالغفار نقشبندی»، امام جمعه موقت شهرستان راسک ادعای این دختر پانزده ساله بلوچ در خصوص آزار و اذیت جنسی توسط نیروی فرمانده انتظامی را تأیید کرد (بیست و پنجم مهر ماه ۱۴۰۱).

۱۱۵- در پی اعلام مسمومیت شماری از دانش‌آموزان در چند مدرسه از تهران، والدین برخی از این افراد در اطراف مدارس حضور پیدا کردند. در این میان تصویری از رفتار نامناسب مردی با یکی از زنان حاضر در اطراف یکی از مدارس در شبکه‌های اجتماعی منتشر و ادعا شد که این زن والدین یکی از دانش‌آموزان است. در پی این انتشار این ویدیو دفتر سخنگوی فراجا از پیگیری جدی این موضوع خبر داده است. در اطلاعیه دفتر سخنگوی فراجا پیرامون رخ داد خشونت علیه یک زن در مقابل مدرسه سیزدهم آبان آمده است: «کارکنان پلیس هیچ نقشی در آن حادثه نداشته‌اند». در این اطلاعیه همچنین تأکید شده است که «فرمانده انتظامی تهران بزرگ بلافاصله پس از اطلاع از رخ داد مذکور، تیمی از افسران حرفه‌ای پلیس را مامور پیگیری چندوچون آن حادثه کرد و تجسس‌های آن ماموران نشان داد

ستارخان تهران^{۱۱۶}، برخورد خشن گشت ارشاد با یک دختر بی حجاب در گیشا تهران^{۱۱۷}، ضرب و شتم خانم باحجاب در نارنجستان قوام شیراز^{۱۱۸} و پرتاب باتوم به یک موتورسوار توسط یکی از کارکنان پلیس

که در آن رخ داد کارکنان پلیس هیچ نقشی، خواه مستقیم یا غیرمستقیم، نداشته‌اند». همچنین دفتر سخنگوی فراجا تأکید کرده که «پلیس ضمن تیرا جستن از این گونه اقدامات، پس از انجام بررسی‌های لازم، نتیجه را به سمع و نظر شهروندان خواهد رساند» (یازدهم اسفند ماه ۱۴۰۱).

۱۱۶- ویدیویی از سیلی یک سرباز پلیس به صورت راننده یک دستگاه خودروی سواری در یکی از رسانه‌های داخلی کشور منتشر شد. ویدیویی که در آن سیلی زدن سرباز پلیس به راننده خودرو کاملاً واضح است و محل وقوع آن نیز خیابان ستارخان تهران اعلام شده است. در پی انتشار این ویدیو، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «فرماندهی انتظامی تهران بزرگ توجه به دو رویکرد اجرای قانون و رعایت حقوق شهروندی را در دستور کار اجرایی تمامی پلیس‌های خود قرار داده و همواره بر رعایت حقوق شهروندی تأکید دارد. برخورد‌های غیرقانونی و خارج از چهارچوب تعریفی و ابلاغ شده به هیچ عنوان مورد تأیید سلسله مراتب فرماندهی کل انتظامی کشور و همچنین تهران بزرگ قرار نداشته و ندارد. در مورد اخیر پیش آمده در خیابان ستارخان تهران، بلافاصله موضوع به صورت دقیق از سوی مبادی نظارتی بررسی شده و پرسنل وظیفه متخلف شناسایی و پرونده قضایی مربوطه در خصوص ایشان تشکیل و به مرجع قضائی ذیصلاح ارسال شده است. یقیناً پلیس خود را موظف به اجرای دقیق قانون دانسته و از هیچ گونه رفتار و اقدام غیرقانونی احتمالی پرسنل حمایت نکرده و خود را مکلف به رعایت دقیق قانون در جامعه می‌داند.» (ششم خرداد ماه ۱۴۰۲).

۱۱۷- ویدیویی با عنوان برخورد مامور گشت ارشاد با یک دختر بی حجاب در فضای مجازی دست به دست می‌شود (بیست و چهارم تیر ماه ۱۴۰۲).

۱۱۸- در پی انتشار کلیپی در فضای مجازی مبنی بر ضرب و شتم یکی از آمرین به معروف در مجموعه نارنجستان قوام شیراز، پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فارس افزود: ماموران پلیس امنیت عمومی تحقیقات خود را آغاز و ضارب را شناسایی و با اقدامات فنی و تخصصی وی را به مقر انتظامی احضار کردند. معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فارس ادامه داد: متهم در بازجویی اولیه ضمن اقرار به جرم خود پس از هماهنگی با مرجع قضایی روانه زندان شد. سرهنگ محمدی خاطر نشان کرد: پلیس با افرادی که با اقدامات هنجارشکنانه و خلاف قانون آرامش و امنیت مردم را به خطر بیندازند، برخورد قاطع و قانونی می‌کند. رئیس کل دادگستری استان فارس گفت: کیفرخواست پرونده ضرب و جرح امر به معروف در نارنجستان قوام به زودی صادر می‌شود. حجت الاسلام و المسلمین سید کاظم

راهور در تهران^{۱۱۹}) و ایالات متحده آمریکا (درگیری پلیس با دختر جوان^{۱۲۰}، ضرب و شتم یک زن از سوی افسر پلیس^{۱۲۱}، ضرب و شتم زندانی سیاه‌پوست از سوی پلیس^{۱۲۲}، قتل یک زن از سوی سه افسر پلیس در

موسوی با اعلام این خبر که ضاربین آمر به معروف در باغ نارنجستان قوام تفهیم اتهام شده‌اند، گفت: این پرونده با توجه به جریحه‌دار شدن احساسات عمومی به صورت خارج از نوبت رسیدگی و اطلاع‌رسانی خواهد شد. وی تصریح کرد: کیفرخواست پرونده پس از اظهار نظر پزشکی قانونی در خصوص میزان صدمات در اسرع وقت رسیدگی و مجازات قانونی در خصوص متهمان صادر می‌شود. حجت الاسلام و المسلمین موسوی با اشاره به برخورد به دور از اغماض با متهمین پرونده اخیر گفت: وابستگی سازمانی و عضویت یکی از متهمین این پرونده به فراجا در طی شدن سیر قانونی پرونده تأثیری نخواهد داشت (هفدهم مرداد ماه ۱۴۰۲).

۱۱۹- در پی انتشار فیلمی از پرتاب باتوم توسط یکی از کارکنان پلیس راهور به راکب یک موتور، بلافاصله دستور شناسایی متخلفان صادر شد. پلیس راهور فراجا در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پی انتشار فیلمی از برخورد یکی از کارکنان پلیس راهور فرماندهی انتظامی تهران بزرگ با راکب موتور سیکلت، بلافاصله پلیس راهنمایی و رانندگی فراجا دستور ویژه‌ای برای بررسی دقیق زمان و مکان وقوع و شناسایی متخلف یا متخلفین صادر نمود. بررسی‌های اولیه نشان داد که اولاً، موتورسیکلت سنگین فاقد پلاک بوده است. ثانیاً، راکب متخلف موتورسیکلت نه تنها به ایست مامور توجهی ننموده بلکه با حرکات نامتعارف موجب اختلال در نظم عبور و مرور و آسایش شهروندان حاضر در معابر عمومی گردیده است. ثالثاً، متأسفانه مامور حاضر در صحنه برای متوقف نمودن موتورسوار متخلف و هنجارشکن مبادرت به اقدام نامتعارف (پرتاب باتوم) کرده است. پلیس راهور ضمن پایبندی و تأکید بر اجرای دقیق قانون و برخورد قانونی با متخلفین، نه تنها به هیچ عنوان این گونه رفتارهای غیرمتعارف را تأیید نمی‌نماید بلکه قطعاً با مامور و راکب متخلف برابر ضوابط برخورد قانونی خواهد نمود و تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا مانع تکرار این نوع رفتارهای نامتعارف گردد (یکم مهر ماه ۱۴۰۲).

۱۲۰- مسئولان مدرسه‌ای در «ویسکانسین» ایالات متحده آمریکا ویدئویی را منتشر کرده‌اند که در آن یک مأمور پلیس، حین نزاع در ساعت نهار بین دانش‌آموزان، به سمت دختر دوازده ساله حمله‌ور می‌شود و زانویش را بر روی گردن او قرار می‌دهد. پدر این دختر خواستار تشکیل پرونده قضایی علیه مأمور پلیس به دلیل استفاده از این نوع خشونت شده که سال گذشته استفاده از آن برای مأموران ویسکانسین ممنوع شده بود. او گفته دخترش تحت درمان است (بیست و نهم اسفند ماه ۱۴۰۰).

۱۲۱- ویدئویی منتشر شده است که نشان می‌دهد که افسر پلیس با مشت به صورت «آنجلیا هال» که در اورژانس بیمارستان بازداشت شده و دستبند به دستانش زده شده می‌کوبد (بیستم خرداد ماه ۱۴۰۲).

تگزاس^{۱۲۳}، سوء تفاهم پلیس^{۱۲۴}، زیرگرفتن یک پلیس در آلاباما^{۱۲۵} و زیرگرفتن یک زن سپاه‌پوست توسط خودروی پلیس^{۱۲۶}) امکان ارتکاب جرائم علیه شهروندان را دارند، بلکه دیگر نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی (تظاهرات بیست و نهم بهمن ماه ۱۳۵۶ تبریز^{۱۲۷}، تظاهرات هفدهم شهریور ماه ۱۳۵۷ تهران^{۱۲۸}، شورش ۱۳۷۱ مشهد^{۱۲۹}، ترور میکونوس^{۱۳۰}، شورش ۱۳۷۲ قزوین^{۱۳۱}، شورش ۱۳۷۴

۱۲۲- ویدئویی منتشر شده است که صحنه ضرب و شتم یک زندانی سپاه‌پوست را در بازداشت پلیس ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد (سوم تیر ماه ۱۴۰۲).

۱۲۳- سه افسر پلیس در سن آتونو تگزاس پس از تیراندازی مرگبار به یک زن به قتل متهم شدند (چهارم تیر ماه ۱۴۰۲).

۱۲۴- ویدئویی از حمله دو پلیس در کالیفرنیا به شخصی که خیال می‌کردند پول پیتزا را حساب نکرده است، بعد که فیش پرداخت را دیدند منصرف شدند (نوزدهم تیر ماه ۱۴۰۲).

۱۲۵- ویدئویی از لحظه زیرگرفتن یک پلیس با ماشین در آلاباما ایالات متحده آمریکا منتشر شده است (بیست و یکم تیر ماه ۱۴۰۲).

۱۲۶- تصاویری از زیرگرفتن یک زن سپاه‌پوست توسط خودروی پلیس ایالات متحده آمریکا و برخورد خشونت‌آمیز با او منتشر شده است (بیست و پنجم مرداد ماه ۱۴۰۲).

۱۲۷- تظاهرات بیست و نهم بهمن ماه ۱۳۵۶، به حوادث بیست و نهم بهمن ماه ۱۳۵۶ در تبریز اشاره دارد که در طی آن انقلابیون تبریز به مناسبت چهلمین روز کشته شدگان تظاهرات نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ قم، دست به تظاهرات زده و بیشتر نقاط شهر را تسخیر کردند تا این که تا ساعت پنج بعدازظهر نیروهای دولتی کنترل شهر را به دست گرفتند. طبق گزارش ساواک، در این تظاهرات اعتراضی، پانصدو هشتادویک نفر دستگیر، نه نفر کشته، یکصدو هجده نفر زخمی، سه دستگاه تانک، دو سینما، یک هتل، کاخ جوانان، حزب رستاخیز و تعدادی اتومبیل شخصی و دولتی به آتش کشیده شدند. چند روز بعد تعداد کشته شدگان تبریز به سیزده نفر رسید. در این اعتراض، برای نخستین بار پس از وقایع پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲، ارتش برای کنترل وضعیت مستقیماً وارد درگیری‌ها شد.

۱۲۸- رویداد هفدهم شهریور ماه ۱۳۵۷ شناخته شده با نام «جمعه سپاه» که در برخی منابع از آن با عنوان «کشتار هفدهم شهریور» نیز یاد می‌شود، رویدادی در جریان اعتراضاتی بود که در نهایت به وقوع انقلاب ۱۳۵۷ انجامید. در هفدهم شهریور ماه ۱۳۵۷، تظاهرات مخالفین و انقلابیون در محلات جنوبی تهران، خیابان ژاله پیشین (خیابان مجاهدین اسلام کنونی) و میدان ژاله (میدان شهدا کنونی)، منجر به کشته شدن هشتادو هفت نفر از تظاهرکنندگان توسط نیروهای نظامی ارتش شاهنشاهی ایران شد.

۱۲۹- شورش ۱۳۷۱ مشهد نخستین شورش اجتماعی و اقتصادی بعد از انقلاب و یکی از شورش‌های دهه هفتاد در ایران بود. این شورش در اثر اعتراض حاشیه‌نشینان کوی طلاب شهر مشهد به تخریب خانه‌های شان و در بستر سیاست‌های آزادسازی اقتصادی شروع و در نهایت به یک تظاهرات چند ده هزار نفری، با شعارهایی علیه مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران و حمله به اماکن دولتی در سرتاسر شهر تبدیل شد. در جریان این شورش چندین بانک و مؤسسه اقتصادی وابسته به آستان قدس رضوی به آتش کشیده شد و ساختمان شهرداری مشهد و چندین ساختمان دولتی دیگر نیز توسط مردم غارت شد. با اعزام گسترده نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران از تهران و استان‌های همجوار خراسان، شورش کوی طلاب سرکوب شد. دادگاه انقلاب مشهد به ریاست سیدابراهیم رئیسی، دادستان وقت تهران، چهارتن را به اعدام محکوم کرد. نهم خرداد سال ۱۳۷۱، علی جنتی، استاندار وقت استان خراسان، دستور تخریب مناطق حاشیه‌نشین مشهد بدون جایگزینی برای سکونت ساکنان فقیر این خانه‌ها را صادر می‌کند نمایندگان ساکنان کوی طلاب که برای مذاکره به شهرداری رفته بودند در بازگشت با ماشین‌های تخریب شهرداری مواجه می‌شوند و با مأموران درگیر می‌شوند. مردم چند خودروی شهرداری را به آتش می‌کشند، نیروی انتظامی و کلاتری وارد مناقشه می‌شوند. در جریان درگیری میان مأموران امنیتی و اهالی کوی طلاب دو کودک دانش آموز با شلیک مأموران امنیتی کشته می‌شوند. مردم جسد آن‌ها را بر دوش گرفته و از محله طلاب به سوی مرکز شهر مشهد حرکت می‌کنند. در مسیر حرکت به تعداد جمعیت افزوده می‌شود و تظاهرات خشونت آمیز می‌شود، مردم سر راه به کلاتری سوم و چهارم مشهد حمله و مأموران را خلع سلاح می‌کنند و جمعیت مسلح می‌شوند. جمعیت خشمگین بر سر راه، ساختمان شهرداری را به آتش می‌کشند، سپس به سراغ ادارات دولتی می‌روند و از جمله به سازمان تبلیغات اسلامی، اداره دارایی و دادگستری حمله می‌کنند. مشهد کاملاً در دست معترضان می‌افتد و نیروهای اطلاعات و امنیتی و استانداری غافلگیر می‌شوند. به مرور آشوب و غارت تمام مناطق مرکزی مشهد را در بر می‌گیرد و تعاونی‌ها و فروشگاه‌ها غارت می‌شود. با اعزام گسترده نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران از تهران و استان‌های همجوار خراسان، شورش کوی طلاب سرکوب می‌شود. در نهایت حدود هشتصد نفر دستگیر و مدت‌ها مورد بازجویی قرار می‌گیرند جواد گنج‌خانلو، غلامحسین پورشیرزاد، علی صادقی و حمید جاوید در یک دادگاه فوق‌العاده به اعدام محکوم شده و حکم آن‌ها توسط دیوان عالی کشور تأیید و با قید فوریت به اجرای احکام فرستاده و اجرا می‌شود.

۱۳۰- در ماجرای ترور میکونوس که در رستورانی به همین نام واقع در برلین، آلمان و در تاریخ هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲ میلادی برابر بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۷۱ رخ داد، تعدادی از سران اپوزیسیون کرد به دست عوامل جمهوری اسلامی ایران، به قتل رسیدند، که دادگاه آلمان حکم جلب علی فلاحیان و برخی دیگر از مقامات ایرانی را صادر کرد. این ترور تأثیر زیادی بر روی روابط بین ایران و کشورهای اروپایی داشت. از آنجاکه از تاریخ بیست و سوم تا بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۷۱ کنگره جهانی اترناسیونال سوسیالیست در برلین در حال

برگزاری بود، فعالان سوسیال ایران که عموماً از فعالان سیاسی ایرانی و مخالف جمهوری اسلامی ایران بودند از جمله صادق شرفکنندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران برای شرکت در این مراسم به آلمان رفته بودند. در این میان دعوتی در روز هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲ میلادی مطابق بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۷۱، از پانزده الی بیست نفر از ایرانیان جهت حضور در رستوران میکونوس که صاحب آن ایرانی بود و پاتوق ایرانی‌های مقیم برلین به شمار می‌رفت، صورت گرفت. در روز جلسه شش نفر از دعوت شدگان در رستوران حاضر شدند؛ که علاوه بر آن‌ها دو نفر به صورت اتفاقی و صاحب رستوران (جمعاً نه نفر) در رستوران حاضر بوده‌اند. ساعت حدود بیست و دو و پنجاه دقیقه ناگهان سه فرد مسلح وارد رستوران شدند. یکی نزدیک در ورودی و دومی در قسمت جلویی رستوران می‌ایستند و نفر سوم نیز مسلسل به دست وارد قسمت پشتی رستوران که شش ایرانی در آنجا دور یک میز نشسته بودند رفته و همه آن‌ها را به رگبار می‌بندد. از جمع افراد حاضر در رستوران چهار نفر در جا کشته شدند و یک نفر نیز به شدت زخمی شد و چهار نفر دیگر نیز جان سالم به در بردند. یک سال بعد از حادثه رستوران میکونوس یک ایرانی به نام کاظم دارابی که مشکوک به عضویت در سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بود و چهار لبنانی به نام‌های یوسف امین، محمد اتریس، عطاالله عیاد و عباس راحیل توسط پلیس آلمان دستگیر شده بودند. عبدالرحمان بنی‌هاشمی مأمور امنیتی جمهوری اسلامی که رهبری عملیات را بر عهده داشت نیز به ایران گریخته بود. محاکمه متهمان در ششم آبان ماه ۱۳۷۲ در آلمان آغاز شد. دادگاه این عده حدود پنج سال (دویست و چهل و هفت جلسه) طول کشید و حدود نه میلیون فرانک هزینه دربرداشت. در جلسات این دادگاه بیش از یکصد و هفتاد نفر در دادگاه حاضر و در مورد حادثه ترور شهادت دادند. شهادت برخی از این افراد ضد جمهوری اسلامی و برخی نیز به نفع جمهوری اسلامی ایران بود. حکم دادگاه میکونوس در بیست و یکم فروردین ماه ۱۳۷۶ صادر شد و طی آن کاظم دارابی از اتباع ایرانی و عباس راحیل تبعه لبنان به حبس ابد و یوسف امین و محمد اتریس هر دو از اتباع لبنان به ترتیب به یازده و پنج سال زندان محکوم شدند. در این حکم متهم دیگر نیز به نام عطاالله ایاد تبرئه شد.

۱۳۱- شورش قزوین شورشی در سال ۱۳۷۲ در استان قزوین بود که در خلال شورش‌های دهه ۱۳۷۰ به وقوع پیوست. این شورش چند روز به طول کشید و نتیجه آن جدایی قزوین از زنجان بود. این شورش همراه با تلفات از هر دو طرف و غارت و نابودی مراکز دولتی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و آتش زدن وسایل نقلیه متعلق به دولت ایران و سپاه پاسداران و تصرف شهر توسط مردم همراه بود.

اسلامشهر^{۱۳۲}، قتل‌های زنجیره‌ای ایران^{۱۳۳}، تظاهرات شهریور ماه ۱۳۷۹ خرم‌آباد^{۱۳۴}، ناآرامی‌های ۱۳۸۴

۱۳۲- شورش ۱۳۷۴ اسلامشهر یکی از شورش‌های دهه ۱۳۷۰ و دومین شورش بزرگ پس از انقلاب بود. شورش مردم به دلیل ناراضی‌تی از افزایش کرایه‌ها و اعتصاب رانندگان مینی‌بوس و اعتراض به فقر و کمبود آب انجام شد و باعث تخریب بانک‌ها، اماکن دولتی و مغازه‌ها و تصرف پاسگاه پلیس شد. شورش توسط قرارگاه ثارالله سرکوب، تعدادی کشته و شماری بازداشت شدند.

۱۳۳- قتل‌های زنجیره‌ای، به کشتار برخی از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی منتقد نظام جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، در داخل و خارج از ایران، گفته می‌شود که به گفته برخی از منابع، با فتوای برخی از روحانیون بلندپایه و به دست پرسنل وزارت اطلاعات در زمان وزارت علی فلاحیان (وزیر اطلاعات دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی) و قربانعلی دری نجف‌آبادی (اولین وزیر اطلاعات در دولت سیدمحمد خاتمی) انجام شد. این قتل‌ها از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ ادامه داشتند. وزارت اطلاعات، طی اطلاعیه‌ای، عوامل قتل‌ها را شماری از پرسنل وزارت اطلاعات یعنی همکاران کج‌اندیش و خودسر که آلت دست عوامل پنهان و مطامع بیگانگان شده‌اند نامید. سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت، تیمی خارج از وزارت اطلاعات و بدون حضور وزیر وقت را مسئول رسیدگی به پرونده کرد. این تیم پس از یک ماه تحقیق، دست داشتن مقامات بلند پایه وزارت اطلاعات در قتل‌ها را اعلام و عوامل را دستگیر کرد. دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای پس از توقیف مطبوعات در بهار ۱۳۷۹، دستگیر و زندانی کردن روزنامه‌نگاران پیگیر موضوع (اکبر گنجی و عمادالدین باقی) بدون حضور هیئت منصفه و در حالی که خانواده مقتولان در اعتراض به نحوه رسیدگی در جلسات دادگاه، حضور نیافتند، با محکوم کردن عوامل وزارت اطلاعات به چند سال زندان، بسته شد. سعید امامی نیز که اعلام شده بود که متهم اصلی این پرونده است، به طرز مشکوکی در مدت بازداشت درگذشت. گرچه در مجموع قتل‌ها در طول چندین سال، اتفاق افتاده، قربانیان این قتل‌ها بیش از هشتاد نفر از نویسندگان، مترجمان، شاعران، کنش‌گرایان سیاسی و شهروندان عادی بودند که با روش‌های گوناگونی مانند تصادف خودرو، ضربات چاقو، تیراندازی در سرقت‌های مسلحانه و تزریق پتاسیم به منظور شبیه‌سازی حمله قلبی به قتل رسیدند.

۱۳۴- تظاهرات شهریور ماه ۱۳۷۹ خرم‌آباد اشاره به رویدادهای پیرامون هفتمین اجلاس دفتر تحکیم وحدت در خرم‌آباد دارد. در مرداد ماه ۱۳۷۹ مسئولان دفتر تحکیم وحدت از استانداری لرستان درخواست مجوز جهت برگزاری هفتمین جلسه این سازمان دانشجویی را کردند. پس از موافقت مسئولان وقت استانداری لرستان این جلسه در چهارشنبه دوم شهریور ماه ۱۳۷۹ و با پیام سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران در خرم‌آباد آغاز شد. پس از آغاز اجلاس عده‌ای لباس شخصی با تظاهرات و ایجاد تنش سعی در برهم زدن اجلاس را داشتند. این تنش‌ها تا روز سوم برگزاری اجلاس

اهواز^{۱۳۵}، مرگ زهرا کاظمی^{۱۳۶}، تظاهرات خرداد ماه ۱۳۸۵ نقده^{۱۳۷}، اعتراضات فروردین ماه ۱۳۹۰

ادامه داشت و در این بین از سخنرانی برخی سخنرانان مدعو ممانعت به عمل آمد. با ادامه تنش از سوی افراد لباس شخصی حزب مشارکت خرم‌آباد در پنجم شهریور ماه ۱۳۷۹ با صدور بیانیه‌ای از هواداران خود درخواست کرد تا در حمایت از دفتر تحکیم وحدت تجمع کنند. این تجمع در نهایت باعث درگیری میان لباس شخصی‌ها و نیروهای امنیتی و هواداران دفتر تحکیم وحدت شد. در جریان درگیری‌های بعدی در شهر، یک دانشجوی کشته شد و دفتر تحکیم دیگر اجازه برگزاری نشست سالانه از وزارت علوم نیافت.

۱۳۵- ناآرامی‌های اهواز در سال ۱۳۸۴، شورش در بیست و ششم فروردین ماه ۱۳۸۴ بود که در آغاز توسط ایرانی‌های عرب، به مدت چهار روز رخ داد. در فروردین ماه سال ۱۳۸۴، نامه‌ای بر روی سایت‌های اهوازی منتشر شد که در آن بر تصمیم شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، برای تغییر ترکیب جمعیتی عرب‌های خوزستانی تأکید شده بود. این نامه امضای سیدمحمدعلی ابطحی رئیس دفتر سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران را به همراه داشت. تاریخ نامه مربوط به سال ۱۳۷۷ بود که دومین سال ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی است. به این ترتیب این نامه در سال ۱۳۸۴ به طور گسترده در خوزستان منتشر شد. بلافاصله سیدمحمدعلی ابطحی این نامه را تکذیب کرد و اعلام کرد جعلی است، اما در شهرهای مختلف استان خوزستان، شهروندان عرب دست به تظاهرات زدند که به شدت سرکوب شد. این نامه، که بعدها به نامه ابطحی معروف شد، بر ضرورت تغییر بافت جمعیتی مردم عرب استان خوزستان تأکید می‌کرد؛ به گونه‌ای که پس از ده سال عرب‌ها به اقلیتی در درون استان تبدیل شوند.

۱۳۶- زهرا (زیبا) کاظمی (۱۹۴۸- یازدهم ژوئیه ۲۰۰۳) خبرنگار کانادایی-ایرانی تبار بود که در مسافرتی به قصد تهیه گزارش در ایران، هنگام ناآرامی‌ها و اعتراضات دانشجویی، به جرم عکس‌برداری حین تجمع برخی از خانواده‌های زندانیان در مقابل زندان اوین، بازداشت و در زندان درگذشت. در جریان ناآرامی‌ها و اعتراضات دانشجویی در خرداد ماه ۱۳۸۲، خانواده‌های آنان در دوم تیر ۱۳۸۲ تجمع اعتراض آمیزی را در مقابل زندان اوین تشکیل دادند. زهرا کاظمی در این روز برای تهیه گزارش و تصویر، در این تجمع حاضر شده و اقدام به عکس‌برداری از تجمع در اطراف زندان کرد و مقابل زندان بازداشت شد. به ادعای دادستان عمومی و انقلاب تهران، زهرا کاظمی متهم به عکس‌برداری از اماکن و مناطق ممنوعه و ارسال آن برای سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه بوده است. یک سال پس از آن قوه قضائیه محمدرضا اقدم احمدی، چهل و دو ساله و کارمند وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان «قتل شبه عمد» زهرا کاظمی محکوم کرد اما او خود را از

خوزستان^{۱۳۸}، اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ ایران^{۱۳۹}، اعتراضات فروردین ماه ۱۳۹۷ خوزستان^{۱۴۰}، اعتراضات

اتهامات مبری دانست و با اعتراض وی به رأی دادگاه و نقض حکم در مرجع تجدیدنظر، در نهایت وی به دلیل «فقدان مدرک برای اثبات اتهامات» تبرئه شد.

۱۳۷- در پی تظاهرات مردم آذربایجان در خرداد ماه ۱۳۸۵ تظاهرات مردم نقده واقع در جنوب استان آذربایجان غربی روز چهارم خرداد ماه، به علت شلیک مستقیم مأموران به سوی تظاهرات کنندگان به خونین‌ترین این سلسله اعتراضات بدل شد. در این تظاهرات بنا به برخی از منابع ده‌ها تن در شهرهای مختلف آذربایجان ایران کشته شدند. تلویزیون ایران کشته شدن چهار نفر به نام‌های توحید آذریون، همت اسم زاده، حسین فتحی‌پور و عسگر قاسمی را در نقده تأیید کرد.

۱۳۸- اعتراضات بیست و ششم فروردین ماه ۱۳۹۰ در خوزستان، سالروز ناآرامی‌هایی در فروردین ماه ۱۳۸۴ خوزستان است که در نتیجه آن چند نفر کشته و ده‌ها نفر بازداشت شدند. همزمان با سالگرد تظاهرات بیست و ششم و بیست و هفتم فروردین ۱۳۹۰، نیروهای امنیتی و انتظامی، با تظاهر کنندگان درگیر شده و در جریان این درگیری‌ها، دوازده نفر کشته و بیست نفر زخمی و تعدادی بازداشت شدند. برخی از منابع خبری تعداد کشته‌شدگان را تا چهل و هشت نفر نیز گزارش کرده‌اند.

۱۳۹- اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ ایران مجموعه‌ای از اعتراضات رهبری نشده مردمی و ضدحکومتی در سراسر ایران بود که از هفتم دی ماه ۱۳۹۶ از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان آغاز شد. فراخوان شرکت در این تظاهرات که در آغاز «نه به گرانی» (پویش اعتراضات و تجمع مردمی) و اعتراض به سیاست‌های دولت حسن روحانی نامیده شد، در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت. ابتدا با خواست‌هایی اقتصادی، علیه فساد جاری در دولت ایران و میزان بالای بیکاری بود؛ اما با فراخوان‌های بیشتر، دامنه همگانی آن فراتر از مشکلات اقتصادی رفت و مخالفت‌ها با نظام سیاسی ایران را نیز در بر گرفت. طبق گزارش رسانه‌های ایران، تا یازدهم دی ماه، در کل دوازده تن در جریان اعتراضات کشته شده‌اند. در تظاهرات نهم دی ماه ۱۳۹۶ دورود استان لرستان بر اثر تیراندازی نیروهای امنیتی لرستان هفت نفر کشته شدند؛ با این حال معاون سیاسی امنیتی استانداری لرستان بدون تأیید این تیراندازی آمار کشته‌شدگان در شهرستان دورود را دو نفر اعلام کرد اما سیدحمیدرضا کاظمی، نماینده پل دختر لرستان تیراندازی پلیس به متعرضان را تأیید کرد. هدایت‌الله خادمی نماینده ایذه استان خوزستان کشته شدن دونفر از متعرضان و زخمی شدن تعدادی خوزستانی در شب دهم دی ماه ۱۳۹۶ را تأیید کرد اما از هویت تیراندازان ابراز بی‌اطلاعی کرد. اصغر هدایت فرماندار فلاورجان کشته شدن شش نفر از متعرضان که به

۱۳۹۷ کازرون^{۱۴۱}، اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ ایران^{۱۴۲}، اعتراضات تابستان ۱۴۰۰ ایران^{۱۴۳}، اعتراضات ۱۴۰۱

کلاتری قهدریجان در استان اصفهان حمله کرده بودند را تأیید کرد و حسین حسین زاده جانشین فرمانده انتظامی استان اصفهان تأیید کرد که در قهدریجان هیچ پلیسی کشته نشده است.

۱۴۰- ناآرامی‌های فروردین ماه ۱۳۹۷ خوزستان مجموع تجمعات اعتراضی مردم اهواز و چند شهر دیگر نسبت به یکی از برنامه‌های شبکه دو صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است. این اعتراضات به مرور به خشونت و پرتاب گاز اشک آور در مرکز شهر اهواز کشیده شد. رسانه‌ها دستگیری یکصد نفر از معترضین را اطلاع‌رسانی کردند. این تجمعات از اهواز به ماهشهر، آبادان، خرمشهر و شیبان کشیده شد. یکی از میان برنامه‌های برنامه نوروزی سال ۱۳۹۷ «کلاه قرمزی» بود که در آن کودکی عروسک‌هایی که لباس اقوام مختلف ایرانی را بر تن دارند روی نقشه ایران نصب می‌کند اما وقتی نوبت به خوزستان می‌رسد یک عروسک با لباس بختیاری روی تابلو قرار داده می‌شود و خبری از پوشش عربی نبود. این موضوع باعث رنجش مردم عرب اهواز و دیگر شهرستان‌های خوزستان شد که جرقه مجموعه تجمعات اعتراضی را زد. رسانه‌های داخل ایران از این تجمعات با عنوان فروردین ملت‌هوا یاد کردند. همین موضوع اعتراض شمار گسترده‌ای از ساکنان عرب اهواز را در پی داشت؛ آن‌ها معتقدند صداوسیما، سیاست انکار عرب‌های خوزستان را دنبال می‌کند. مردم اهواز با حضور در مقابل ساختمان صداوسیما خوزستان و خیابان‌های مرکز شهر به این برنامه اعتراض کردند. خواسته اصلی مردم خوزستان در این اعتراضات از مسئولان رسانه ملی توجه یکسان به همه اقوام با هدف تقویت اتحاد ملی بود.

۱۴۱- ناآرامی‌های ۱۳۹۷ کازرون به درگیری بین مردم کازرون با نیروهای امنیتی و ضدشورش کازرون در روزهای بیست و هفتم اردیبهشت ماه به بعد گفته می‌شود. پیشینه اعتراضات مردم کازرون، به موضوع تجزیه این شهرستان و تشکیل شهرستان جدید به نام «کوه چنار» برمی‌گردد. اعتراضات نسبت به تقسیم شهرستان کازرون از تابستان سال ۱۳۹۶ پس از مطرح شدن مسئله جدایی بخشی‌هایی از شهرستان کازرون و تبدیل بخش‌های کوهمره و چنارشاهیجان به شهرستان جدیدی به نام کوه چنار آغاز شد.

۱۴۲- اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ ایران مجموعه اعتراضات مردمی و ضدحکومتی در سراسر ایران بود که در بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۹۸ و پس از انجام مجدد سهمیه‌بندی بنزین در ایران و افزایش دویست درصدی قیمت بنزین آغاز شد. این اعتراضات که عمدتاً در محلات کارگری و فقیرنشین شهری متمرکز و در ابتدا مسالمت‌آمیز بود، در واکنش به افزایش قیمت بنزین آغاز شد ولی سپس نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن را هدف گرفت. بر اساس گزارش نهادهای امنیتی ایران، بیست و نه استان و صدها شهر دستخوش ناآرامی‌های پس از افزایش قیمت بنزین بودند. حکومت جمهوری اسلامی ایران در جریان این اعتراضات بدون آگاهی‌رسانی رسمی، وضعیت

ایران^{۱۴۴}، درگیری‌های ۱۴۰۱ سنندج^{۱۴۵}، تذکرات تند و تهدیدآمیز به افراد بی‌حجاب در خیابان اندرزگو

اضطراری اعلام کرد. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، اعلان چنین وضعیتی که در آن آزادی‌های شهروندی محدود می‌شود، نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد. زمانی که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران اقدام به سرکوب خشن اعتراضات کردند، اعتراض کنندگان جسورتر شدند و در بسیاری از شهرها، خیابان‌ها به صورت منطقه جنگی درآمد و ساختمان‌های دولتی، خودروها، خودروهای پلیس، بانک‌ها و بعضی از مغازه‌ها توسط معترضان و نیروهای امنیتی تخریب و جریان عادی کسب و کار و آمد و شد مختل شد. در برخی مناطق شهری شبکه بانکی، مخابراتی، سوخت رسانی و ترابری شهری تخریب و فروشگاه‌های دولتی غارت شدند.

۱۴۳- اعتراضات تابستان ۱۴۰۰ به سلسله اعتراض‌های مردمی و ضدحکومتی اشاره دارد که بیست و چهارم تیر ماه ۱۴۰۰ از شهرهای مختلفی در استان خوزستان آغاز شد به چندین استان دیگر گسترش یافت. این اعتراض‌ها با موضوع بی‌آبی خوزستان گسترش یافت و پس از سرکوب شدید معترضان مطالبات و شعارهای سیاسی و علیه نظام جمهوری اسلامی شد. عمده این اعتراض‌ها در شهرهای اهواز، هویزه، شادگان، حمیدیه، آبادان خرمشهر، بستان، سوسنگرد، دزفول و ایذه روی داده و به استان‌های دیگر از جمله تهران، کرمانشاه، اصفهان، بوشهر، لرستان، کردستان، آذربایجان شرقی، خراسان شمالی و البرز گسترش یافته است. در این اعتراضات بر اثر شلیک مستقیم و پرتاب گاز اشک‌آور نیروهای امنیتی به سمت معترضان تعدادی زخمی و کشته شدند.

۱۴۴- اعتراضات ۱۴۰۱ ایران، که همچنین با نام‌های جنبش مهسا، یا جنبش زن، زندگی، آزادی نیز شناخته می‌شود، خیزشی در ایران بود که در پی کشته شدن مهسا امینی به دلیل ضرب و شتم در بازداشتگاه گشت ارشاد آغاز شد. این خیزش از بیست و ششم شهریور ماه ۱۴۰۱ با تجمع اعتراضی در مقابل بیمارستان محل مرگ مهسا امینی در تهران آغاز شد و در روزهای بعد به همه سی و یک استان ایران گسترش یافت. معترضان در خارج از کشور نیز در بیش از یکصد و پنجاه شهر در سراسر جهان تجمع‌های اعتراضی برگزار کردند. این قیام در هفته‌های بعدی با حضور دانش‌آموزان، دانشجویان، اعتصاب استادان دانشگاه، کسبه و بازاریان گسترده‌تر شد. در این خیزش، ایران شاهد گسترده‌ترین و طولانی‌ترین تظاهرات علیه جمهوری اسلامی بود که از حمایت وسیع ایرانیان خارج از کشور و همبستگی دولت‌ها و شخصیت‌های برجسته سیاسی، اجتماعی، علمی و هنری سراسر جهان برخوردار شد. در جریان برخورد خشونت‌آمیز نیروهای مسلح دولتی با معترضان، چند صد نفر کشته و چندین هزار نفر بازداشت و زندانی شدند. این برخوردها در سیستان و بلوچستان و نواحی کردنشین مرگبارتر از سایر مناطق ایران بود. بنا بر گزارش سازمان غیرانتفاعی حقوق بشر ایران، تا بیست و ششم آذر، دست کم چهارصد و نود و شش نفر، از جمله شصت و هشت کودک، کشته شدند.

تهران^{۱۴۶} و درگیری ماموران با مردم در رشت بر سر حجاب اجباری^{۱۴۷} نیز در هر دو کشور امکان ارتکاب چنین جرائمی را دارند. با توجه به این که در ایران «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»^{۱۴۸} زیرمجموعه قوه قضاییه و در ایالات متحده امریکا، «اداره فدرالی زندان‌ها»^{۱۴۹} زیرمجموعه

۱۴۵- درگیری‌های ۱۴۰۱ سنندج به حادثی گفته می‌شود که پس از واکنش‌ها به کشته شدن مهسا امینی که خیزش سراسری را در پی داشت در جریان است. مأموران امنیتی بی‌وقفه سعی در سرکوب معترضان و مهار درگیری‌ها را دارند.
۱۴۶- فیلمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که افرادی با دوربین از دختران فیلم می‌گیرند و با صدای تغییر یافته آن‌ها را تهدید می‌کنند که «اگر حجابتان را رعایت نکنید، من هم دست متجاوزان و سارقان را باز می‌گذارم تا حسابت را کف دست بگیرند» (بیست و سوم تیر ماه ۱۴۰۲).

۱۴۷- براساس گزارش‌های منتشر شده، شب بیست و پنجم مرداد ماه ۱۴۰۲، ماموران امنیتی قصد داشتند سه زن به بهانه رعایت نکردن حجاب اجباری بازداشت کنند که با مقاومت مردم روبرو شدند. تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که تعداد زیادی از شهروندان رشت در میدان شهرداری این شهر تجمع کرده و جو ملتهبی ایجاد شده است. گفته شده که با فشار مردم نهایتاً ماموران امنیتی موفق به بازداشت آن سه زن نشدند. به دنبال این واقعه ماموران نیروی انتظامی همراه با نیروهای لباس شخصی تلاش کردند که مردم را متفرق کنند و از گاز اشک‌آور نیز استفاده کردند و درگیری‌هایی نیز میان مردم و ماموران رخ داد (بیست و ششم تیر ماه ۱۴۰۲).
۱۴۸- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سازمانی دولتی برای نظارت بر زندان‌ها در ایران است که به طور مستقیم زیر نظر رئیس قوه قضائیه فعالیت می‌کند. در تیر ماه ۱۳۵۶، قانون تأسیس سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی در مجلس تصویب شد و اساسنامه آن در ۱۳۵۶/۱۱/۱۵ به تصویب کمیسیون‌های مربوط در مجلس سنا و مجلس شورای ملی رسید. بدین ترتیب، «سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی» به‌عنوان سازمانی مستقل در وزارت دادگستری تشکیل شد. پس از انقلاب، با تصویب شورای انقلاب، امور زندان‌ها بر عهده وزارت دادگستری گذاشته شد و سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی منحل شد. پس از تشکیل شورای عالی قضایی، با تصویب شورای انقلاب در اردیبهشت ۱۳۵۹، مسئولیت اداره زندان‌ها به شورای سرپرستی زندان‌ها زیر نظر دادستان کل کشور سپرده شد. این شورا مرکب از سه نفر به انتخاب شورای عالی قضایی بود. بدین ترتیب امور زندان‌ها از قوه مجریه به قوه قضائیه منتقل شد. با تصویب مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۶۴، شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» تبدیل شد.

۱۴۹- سازمان فدرالی زندان‌ها از نهادهای انتظامی-امنیتی ایالات متحده امریکا است. این نهاد زیر نظر وزارت دادگستری ایالات متحده امریکا بوده و مسئولیت مدیریت و کنترل زندان‌های ایالات متحده امریکا را دارد.

«وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا»^{۱۵۰} می‌باشند و در ایران حفاظت از زندان به عهده سازمان نظامی خاصی (یگان حفاظت)^{۱۵۱} می‌باشد، جرائم علیه زندانیان که شهروندان هر جامعه‌ای می‌باشند، در

سازمان فدرالی زندان‌ها در سال ۱۹۳۰ تأسیس شده است و خود شامل یکصدوشانزده دستگاه زیرمجموعه می‌شود که در شش ناحیه جغرافیایی مختلف ایالات متحده آمریکا مستقر هستند. مقر دفتر اصلی این سازمان در واشینگتن دی.سی. قرار دارد. بر طبق آمار سال ۲۰۱۰، ۲۳،۵۱۰ کارمند این زندان (معادل ۶۳،۸٪) سفیدپوست، ۷،۸۴۴ (۲۱،۳٪) سیاه‌پوست، ۴،۱۶۱ (۱۱،۳٪) از تبار اسپانیایی، ۷۷۷ (۲،۱٪) از نژاد آسیایی، ۵۱۹ (۱،۴٪) محلی آمریکایی و پانزده نفر از سایر نژادها هستند. همچنین ۲۶،۶۷۰ (۷۲،۴٪) کامندان مرد و ۱۰،۱۵۳ (۲۷،۶٪) کارمندان زن هستند که در این سازمان مشغول به کارند.

۱۵۰- وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا (United States Department of Justice) یا در ایالات متحده آمریکا مشهور به وزارت دادگستری یک بخش اجرایی فدرال از دولت ایالات متحده آمریکا است که وظیفه اجرای قانون و اجرای عدالت در ایالات متحده آمریکا را بر عهده دارد و معادل وزارت دادگستری در سایر کشورها است. رئیس وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا، دادستان کل ایالات متحده آمریکا و از اعضای کابینه دولت است. وی توسط رئیس‌جمهور معرفی می‌شود و بعد از تأیید مجلس سنا عهده‌دار این سمت می‌شود. ۱۵۱- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰. ماده ۱۴: یگان حفاظت سازمان، وظیفه حفاظت فیزیکی از مؤسسه‌های تابعه، اعزام زندانیان، استقرار نظم و تأمین امنیت، پیشگیری و جلوگیری از فرار زندانی، کنترل هرگونه اغتشاش، شورش یا اقدام‌های مخمل امنیت و همچنین آموزش و مدیریت پاسیاران و سربازان و دیگر نیروهای تحت امر را بر عهده دارد. اعزام خارج از حوزه قضایی تا تأمین نیروهای مورد نیاز و استقرار کامل یگان یاد شده، با هماهنگی سازمان، توسط نیروهای انتظامی صورت می‌گیرد. ماده ۱۵: مسئولیت اداره یگان حفاظت بر عهده رئیس سازمان است؛ این امر مانع از نظارت تخصصی ناجا (انتظامی و حفاظتی) بر یگان نیست. ماده ۱۶: اهم وظایف فرمانده یگان حفاظت مؤسسه به شرح زیر است: الف- تهیه و تنظیم برنامه‌های حفاظت فیزیکی و نظم و امنیت مؤسسه در چارچوب دستورالعمل‌های ابلاغی و پیش‌بینی وسایل، امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز؛ ب- نظارت مستمر بر امور حفاظت فیزیکی و برقراری نظم و امنیت مؤسسه و محوطه پیرامونی، بررسی دفتر وقایع، رسیدگی به گزارش‌های رسیده از اتفاقات، تأیید لوحه نگهبانی و پاسداری و گزارش امور به مقامات مافوق؛ پ- برنامه ریزی و نظارت برای کنترل ورود و خروج و بازرسی از تمامی وسایل نقلیه، اشیاء و وسایلی که به مؤسسه وارد یا از آن خارج می‌شود و ثبت وقایع مربوط؛ ت- برنامه ریزی و نظارت بر ورود و خروج مراجعان و بازرسی بدنی دقیق از زندانیان، کارکنان و مراجعان به هنگام ورود به مؤسسه یا خروج از آن به نحوی که اقلام

ممنوع وارد یا خارج نشود؛ ث- نظارت بر حضور و غیاب کارکنان یگان و نیروهای وظیفه در نوبت کاری یگان، امور نگهداری و گشت ها؛ ج- بازدید و بررسی وضع ظاهری کارکنان یگان و نیروهای وظیفه به هنگام برگزاری مراسم صبحگاهی و حین انجام وظیفه و ارائه آموزش و تذکرات ضروری به آنها و در صورت لزوم تنبیه انضباطی کارکنان و نیروهای وظیفه یگان مطابق مقررات حاکم؛ چ- برنامه ریزی و نظارت بر آموزش و تمرین کارکنان یگان نسبت به وظایف مقرر و اجرای طرح‌های دفاعی، امنیتی و انضباطی مؤسسه؛ ح- بازدید مستمر از کلیه اماکن مؤسسه، بازرسی و تفتیش نوبه‌ای و موردی با هماهنگی رئیس مؤسسه از داخل سالن‌ها و اندرزگاه‌های آن مؤسسه جهت کشف اشیای ممنوعه و دستور جمع‌آوری اشیای زائد در محل، نظارت بر تجهیزات دوربین‌های مدار بسته و عملکرد متصدیان آن، پست‌های نگهداری و انبار سلاح، مهمات و تجهیزات و نظارت و کنترل امر تحویل سلاح و مهمات و استفاده صحیح از آنها مطابق مقررات حاکم؛ خ- برنامه ریزی و هماهنگی در مورد نحوه اعزام و انتقال زندانیان و یا متهمان بازداشتی به مراجع قضایی و دیگر مراجع قانونی توسط مأموران ناجا و یا کارکنان یگان حفاظت سازمان؛ د- ابلاغ دستور مقامات مافوق و بخشنامه‌های اداری و انتظامی به مأموران مربوط و نظارت بر حسن اجرای آنها؛ ذ- انجام دیگر امور ارجاعی طبق دستور مافوق و شرح وظایف سازمانی. تبصره- مقام‌های رسمی به تشخیص رئیس مؤسسه و همچنین مقام‌های قضایی از اقدام موضوع بند «ت» مستثنی هستند. ماده ۱۷: افسر نگهدارنده یگان تحت نظر فرمانده یگان حفاظت انجام وظیفه می‌کند. اهم وظایف افسر نگهدارنده به شرح زیر است: الف- مطالعه وقایع ثبت شده در گذشته و پیگیری دستورهای صادره از سوی مقام مافوق و ارائه گزارش به مقام مذکور؛ ب- نظارت بر عوامل نگهداری از قبیل کنترل حضور و غیاب آنها، تحویل اسلحه و مهمات؛ پ- نظارت بر امور نگهداری و تحویل و تحول این امر و گزارش وقایع نوبت کاری قبلی و آخرین وضعیت موجود؛ ت- بازدید مستمر از عوامل نگهداری و اماکن انتظامی؛ ث- نظارت بر وضعیت ظاهری کارکنان یگان حفاظت؛ ج- اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه؛ چ- تنظیم و ثبت وقایع و گزارش‌های نهایی در دفاتر و سامانه مربوط به صورت صحیح و بدون امکان تغییر و خط خوردگی مطابق دستورالعمل‌های صادره؛ ح- نظارت بر نحوه بازرسی در درب ورودی، درج اطلاعات زندانیان و مراجعان و بازرسی دقیق بدنی آنها، ورود و خروج وسایل نقلیه و بازرسی آنها بدون لحاظ هر گونه استثناء و همچنین بازرسی دیگر تجهیزات و جلوگیری از ورود اشیاء و ارقام ممنوع به مؤسسه و نظارت بر امر نگهداری اشیای امانی دریافتی از مراجعان، در محل صندوق یا کیسه اختصاصی با درج مشخصات یا کد صاحب اشیاء؛ خ- ارائه گزارش از وضعیت حفاظت فیزیکی مؤسسه در زمینه مشکلات، ایرادها و نقایص به رئیس مؤسسه و فرمانده یگان حفاظت و پیگیری تارفع کامل این موارد؛ د- نظارت بر امور محوطه داخلی بین پوستانه اول و دوم مؤسسه، مانند نظافت کلیه اماکن انتظامی و اطمینان از نبود ضعف حفاظتی در ساختمان و تأسیسات؛ ذ- گزارش فوری حوادث و رویدادهای داخل مؤسسه به مقام مافوق؛ ر- عهده دار شدن امور در غیاب رئیس و جانشین مؤسسه

زندان‌های هر دو کشور ایران (فیلم بازجویی فهیمه دری نوگورانی^{۱۵۲}) و فیلم‌های منتشر شده از زندان

در صورت تفویض اختیار؛ ز- کنترل و نظارت بر عملکرد دوربین‌های مدار بسته؛ ژ- انجام دیگر امور ارجاعی طبق دستور مقام مافوق و شرح وظایف سازمانی. تبصره- کلیه نیروهای یگان حفاظت در زمان نگهداری یا اعزام و انتقال زندانی، به دلیل ملاحظات امنیتی باید از رفتارهای زیر اجتناب نمایند: ترک نگهداری، خوابیدن، غذا خوردن، استعمال دخانیات، صحبت کردن با زندانی و انجام افعالی که باعث انصراف خاطر آنان از خدمت و مراقبت از زندانیان در تکالیف مقرر شود. نگهداران باید همیشه مجهز و ملبس به لباس رسمی و تمیز و مرتب بوده و مواقعی که در داخل مؤسسه‌ها مأموریت داشته باشند، بدون اسلحه انجام وظیفه نمایند. ماده ۱۸: کارکنان یگان حفاظت به جز کارکنان مأمور به خدمت از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با ضوابط اداری، مالی و استخدامی تابع قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط سازمان هستند. کلیه کارکنان این یگان در راستای وظایف حفاظتی، انتظامی و به‌کارگیری سلاح، مهمات و تجهیزات انتظامی تابع آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و تحت امر فرمانده یگان حفاظت سازمان، هستند.

۱۵۲- فهیمه دری نوگورانی همسر سعید امامی است. در جریان قتل‌های زنجیره‌ای، فیلم بازجویی او در اینترنت بازتاب فراوانی پیدا کرد. پس از مرگ سعید امامی، در بهمن ماه ۱۳۷۸ فیلم اعترافات فهیمه دری نوگورانی و پنج تن دیگر از متهمان قتل‌های زنجیره‌ای با حضور نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و عهده‌دار رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، در جلساتی جداگانه برای رهبر، سران سه قوه و در جلسه غیرعلنی مجلس پنجم، برای نمایندگان پخش شد که عکس‌العمل‌های متفاوتی را در بر داشت. محمد نیازی که مسئولیت رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به او محول شده بود، «قسم جلاله» می‌خورد که اعترافات آن‌ها «قلبی و منطبق بر واقعیت» است و می‌تواند سند محکمی برای حکم باشد. متهمان در این فیلم مدعی همکاری با اف‌بی‌آی، سازمان سیا و موساد شده بودند. در خرداد ماه ۱۳۸۰، فیلمی سه ساعته از مراحل بازجویی فهیمه دری نوگورانی، همسر سعید امامی و تعدادی دیگر از بازداشت‌شدگان پرونده قتل‌ها منتشر شد و بخش‌هایی از آن بر روی اینترنت قرار گرفت. این فیلم، حکایت از شکنجه شدید این زندانیان برای اخذ اعترافات عجیب در مورد ضدیت با جمهوری اسلامی، ارتباط با سرویس‌های جاسوسی بیگانه و فسادهای گسترده جنسی داشت. بازجویان با تهدید و ضرب و شتم و نسبت دادن اتهامات اخلاقی و جنسی عجیب، درصدد اثبات ارتباط عاملان اجرایی قتل‌های زنجیره‌ای با بیگانگان و سفر به اسرائیل بودند. در بخشی از این فیلم، همسر سعید امامی نه تنها نهایتاً اعتراف می‌کند که عامل موساد و سیا بوده و با چند نفر از مقامات وزارت اطلاعات روابط نامشروع داشته، بلکه وادار می‌شود صحنه‌هایی مشتمل‌کننده از روابط جنسی گروهی خود با سعید امامی و همکارانش یا اهانت به قرآن در جریان روابط جنسی خیالی را بازگو کند.

اوین^{۱۵۳}) و ایالات متحده امریکا به طور گسترده ارتکاب می‌یابند.

نتیجه

آنچه تلاش شد در این پژوهش تبیین گردد، مطالعه تطبیقی سیاست کیفری جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح در دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا می‌باشد. در پاسخ به پرسش پژوهش این نتیجه به دست آمد که در هر دو نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا به موضوع جرائم علیه شهروندان در قانون اساسی و قوانین خاص نظامی در نیروهای مسلح اشاره شده و سیاست کیفری سخت گیرانه^{۱۵۴} و امنیت گرایانه‌ای حاکم بر این جرائم می‌باشد، چون نگاه قانون‌گذاران هر دو کشور تأمین امنیت شهروندان جامعه حتی اشخاص زندانی می‌باشد به طوری که با تدابیر سخت گیرانه و مجازات‌های سنگین سعی داشته‌اند پاسخ سرکوب گرانه‌ای به مرتکبان جرائم علیه شهروندان توسط نیروهای مسلح حتی نیروهای امنیتی بدهند. همچنین به ارتکاب جرائم علیه شهروندان در هر دو نظام کیفری به جز پلیس، به ارتکاب این گونه جرائم توسط دیگر نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی

۱۵۳- رییس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در توثیقی به تصاویر منتشر شده از زندان اوین واکنش نشان داد. حسن شجاعی در توثیقی نوشت: شاهد اتفاقات تلخی در زندان اوین بودیم. کمیسیون اصل نود به موضوع رسیدگی خواهد کرد. با خاطیان باید برخورد شود. دستور ریاست قوه قضائیه و برنامه‌های اصلاحی در سازمان زندان‌ها باید دنبال شود، اما اصلاحات ساختاری برای تضمین شفافیت و پاسخگویی در این سازمان ضروری است (سوم شهریور ماه ۱۴۴).

۱۵۴- سخت‌گیری کیفری به‌عنوان رویکردی در سیاست کیفری متضمن سخت‌گیری و شدت‌گرایی بر مجرمان از طریق افزایش میزان مجازات، طول مدت آن یا میزان درد و رنج آن است. از آنجایی که سخت‌گیری کیفری گاهی صرفاً به دنبال سزادهی است و گاهی به منظور کنترل خطر بزهکاری سخت‌گیری بیش از آنچه تناسب جرم و مجازات ایجاب می‌کند را بر مرتکب تحمیل می‌کند به دو صورت قابل بررسی است: سخت‌گیری که بر مبنای مطالعات علمی و روشن شدن ناکارآمدی ابزارهای اصلاح و درمان در پیشگیری از ارتکاب جرم و بازپروری مجرمان شکل گرفت و سخت‌گیری غیرعلمی که بیشتر متأثر از تحولات سیاسی و اقتصادی بود تا مطالعات علمی. گونه اخیر سخت‌گیری تحت تأثیر نفوذ عوام‌گرایی در حوزه عدالت کیفری، به صورت سیاست کیفری عوام‌گرا متجلی شده و اهدافی چون سلب توان کیفری، بازدارندگی از طریق حذف و طرد مرتکبان جرائم را دنبال می‌کند (طاهری، ۱۳۹۲، ۱۲۸).

نیز اشاره شده است. اما از جهت افتراق نوع دیدگاه قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا متفاوت است؛ زیرا در نظام کیفری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم حضور و سکونت افراد سیاه پوست تاکنون جرائم علیه شهروندان سیاه پوست توسط پلیس یا نیروهای مسلح یا نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران اتفاق نیافتاده است ولی در ایالات متحده آمریکا به صورت گسترده ارتکاب می‌یابد. ولی در برخی مواقع ارتکاب جرائم علیه شهروندان توسط پلیس یا نیروهای مسلح یا نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تبعات کیفری، منجر به تبعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی نیز شده است. در صورتی که ارتکاب چنین جرائمی در ایالات متحده آمریکا به ندرت منجر به تبعات مذکور شده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آخوندی، محمود، ۱۳۸۲، **آیین دادرسی کیفری**، جلد پنجم، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اسماعیلی، رضا، ۱۳۸۰، انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **مجله فرهنگ اصفهان**، شماره ۲۲.
- باوی، محمود، ۱۳۹۱، اقدام علیه آزادی تن شهروندان توسط مقامات رسمی در حقوق جزای ایران و فرانسه، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۱.
- پناهی، آرزو و همایی، امین، ۱۳۹۶، نقض حقوق شهروندی در عملیات پلیسی ناظر بر تحقیقات مقدماتی و ضمانت اجرای آن، **کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی**.
- طاهری، سمانه، ۱۳۹۲، **سیاست کیفری سخت‌گیرانه**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۳، **حقوق جزای اختصاصی**، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مال میر، محمود، ۱۳۸۳، **شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- موذن زادگان، حسنعلی و محمد کوره پز، حسین، ۱۳۹۵، ضمانت‌های اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرایند تحقیقات پلیسی، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۱.

لاتین

- Prenzler, Tim, 2004, Stakeholder Perspectives on Police Complaints and Discipline: Towards a Civilian Control Model, *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 37 (1).
- Weitzer, Ronald, 2002, Incidents of police misconduct and public opinion, *Journal of Criminal Justice*, 30 (5).

